

کلمه مقاله

رکود سیاسی  
یا افت موقتی

لحزله‌ای که از نخستین روزهای  
شیراز به وقوع پیوسته است، بی‌شک  
دیوانه و ارجحیت به نیروهای انقلابی  
شیراز و عداوتی بی‌دریغ است. این  
دشمنی که کارگران و بازرگانان  
مملو شدن رندان ها از هزاران نیروی  
انقلابی، روح اوج و روح حاکم  
جامعه، و با اصرار انت اعتراضات و  
سازرات آنگاه خود را این طوال را  
در برابر ما قرار میدهد که آنجا  
خود را ای بسوی بگر رکود سیاسی طولانی  
پیش می‌رود. اینک تحت تاثیر عوامل  
ذهنی بگر رکود موقت و کوتاه مدت را از  
سر میگذراند.

بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی و  
انتخابات ریاست جمهوری

در همه جا به شکار انقلابیون و سرکوب  
خشونت آمیز و بیرحمانه هرگونه جنبش  
اعتراضی و هر صدای حق طلبانه  
پرداخته اند.

حزب جمهوری اسلامی که با سر  
کناری بنی مذبذب یکی از آرزوهای  
دیرینه خود را عملی نموده است،  
اکنون گام اساسی خود را جلو برداشته

بقیه در صفحه ۳

در حدود یک هفته دیگر برای دومین  
بار انتخابات ریاست جمهوری از جانب  
رژیم جمهوری اسلامی برگزار میشود  
این انتخابات در شرایطی صورت میگیرد  
که موجی از سرکوب و گشتار، با زداشتهای  
دستجمعی و اعتماد های بدون محاکمه از  
جانب رژیم جمهوری اسلامی در سراسر  
کشور بر راه افتاده و نیروهای انتظامی  
و امنیتی رژیم یکمک باندهای سیاه

خمینی چه گفت؟  
خمینی چه کرد؟

صفحه ۱۰

توده‌ها در انتخابات  
مجلس بی اعتبار  
شرکت نخواهند کرد

رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده است  
انتخابات میان دوره‌ای شهر تهران و -  
چند شهر دیگر (برای انتخابات ۲۵ نماینده  
در ۴۶ حوزه) همزمان با انتخابات  
ریاست جمهوری در دوم مرداد انجام میشود.  
از مدتها پیش حزب جمهوری اسلامی با این  
نتیجه رسیده بود که بععلت وضعیت جامعه  
و از دست دادن حمایت توده‌های بی‌سابقه  
نمی‌توانند کاندیدای خود را از صندوقها -  
بیرون آورند و از این جهت از انجام -  
انتخابات با تفرقه میرفت. حزب میدانست  
که تنها در شرایط اختناق خواهد توانست  
با تکیه بر ترور و وحشت و ارباب انتخابات  
را استغ خود را سر هم بزند کند.

بقیه در صفحه ۹

عقب نشینی موقت کارگران

تعرض گسترده آنها را در پی خواهند داشت

قواشیرا رتخا عر قرون وسطای را که  
با آ آورده و در انگیزا سیر و جنبش عقاید  
و حکومت کلیسا در غرب است، حاکم کرده،  
حکومتی که اعتراض کارگران را با تکیه  
یا سخ می دهد و هر مخالفی را بنام یا غی،  
یا غی، ملحد و مفسد می الارض می زندان می  
انگند، سکه می کشند و قروه قروه می جوید -  
های اعدام می سارند.

بقیه در صفحه ۱۳

طبقه کارگران ایران سراجل گوناگونی  
را از سرگذرانده و تجارب بسیار  
گرا بقدری کسب کرده و اینک دیکتا توری  
و حکومت ترور و اختناق را که متکی به هیچ  
قانونی نیست و هیچ حدود مرزی را در سرکوب  
و گشتار کارگران مبارز و توده‌های زحمتکش  
نیروهای انقلابی و خلقهای تحت ستم  
رعایت نمی نماید، تحریم می کند، حکومتی  
که بنام مستضعفین و تحت پوشش مذهب -

خطاب به تمام رفقا و همکاران سازمان

کیننده و هم چنین هواداران سکلانسی  
را بدید خواهد آمد و در لازم دستیم به تمام  
رفقا و هواداران سازمان یادآوری -  
نمائیم که از این تاریخ نشریه کار را  
مجانا در اختیار هم میهنان مبارز قرار  
دهند تا توزیع نشریه سهولت انجام -  
پذیرد.

لازم به یادآوری است که هم میهنان  
انقلابی و چه مربوط به نشریه را با تمام  
که مربوطه آ را از هر طریق که بشود  
به سازمان برسانند.

علیرغم سکلانسی که رژیم سرکوبگر  
جمهوری اسلامی برای نیروهای انقلابی  
بدیده آورده است تا شاید ارتباط این  
سازمانها را با توده‌های مردم بکشد، اما  
از آنجا که امر تبلیغ و ترویج یکی از  
وظایف مهم و همیشگی انقلابیون را -  
تشکیل سده‌ها قاطعه تلاش خواهیم  
کرد و به وسيله که شده، حبله رژیم را در -  
نطفه خفه سازیم و بهر صورتی که شده از رگان  
سازمان کار را بدست هم میهنان مبارز  
برسانیم. اما از آنجا که فروش نشریه  
در این شرایط برای رفقای توزیع

در این شماره

- اخبار کوتاه کارکنان سوری
- جنبش جهانی
- اخبار کردستان
- پاسخ به سوالات

موتک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان







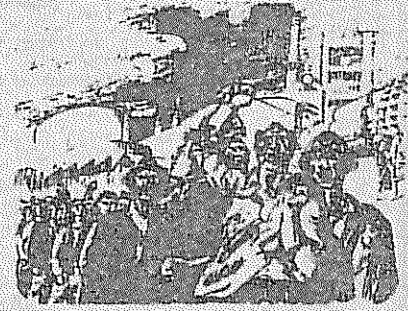








## اخبار کوتاه کارگری



## سرکوب توده‌ها

« یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به حقوق دمکراتیک توده‌ها، اعدای دست‌جمعی انقلابیون و هواداران - سازمانهای سیاسی سازماندهی و بسیج با تدهای سپاه و... موج نفرت و انزجار توده‌های زحمتکش میهنمان را بسط و انگیخته است. در کارخانه، معمله و هرگویی و برزن محبت از بازگشت اختناق، اعدام - های بدون محاکمه، دستگیریها و... است. کارگران با بیعت و نا باوری به اقدامات ضد خلقی جمهوری اسلامی - مینگردند و توهمشان نسبت به کمیت از - بین می‌رود. در این میان مدیران - کارخانه‌ها و انجمنهای اسلامی بسرای در دست گرفتن اوضاع و ایجاد آراش -

برای سرمایه‌داران که همان ایجساد اختناق و سرکوب خواستهای کارگران است، از هر جریب‌ای بهره‌گرفته‌اند. تفتیش بدنی، کتک زدن کارگرانی که با جمهوری اسلامی مخالفت میکنند، تشکیل گروه ضربت و اخراجهای دسته‌جمعی، دستگیری و زندانی کردن نمایندگان مترقی شوراها و کارگران پیشرو - شیوه‌ها نیست که به وسیع‌ترین شکلی در کارخانه‌ها اعمال می‌شود.

« در شرکت واحد در تاریخ ۲/۱۲ بدستور مدیریت عده‌ای از اعضای شورای مرکزی دستگیر شده‌اند. همچنین مدیریت فمسن با زندیدار زعمیرگاه ۶ حکم اخراج یکی از اعضای شورای این تعمیرگاه را صادر کرد.

« در کارخانه جنرال موتورز زندانبال تهدید یکی از اعضای انجمن اسلامی مبنی بر اخراج کارگران از روز ۴/۱۲/دستگیری کارگرانی که از ۲ سال پیش اسمشان در لیست انجمن اسلامی بود شروع شد. اول صبح جاسوسان انجمن اسلامی جلسوی در ورودی کارخانه ایستاده بودند و از ورود کارگرانی که اسمشان در لیست بود به کارخانه جلوگیری میکردند و آنها را بداخل یک جیب و اتوبوس سرویس - کارخانه نشاندند و به دادستانی بردند. در آن روز حدود ۱۵۰۰ نفر کارگران، - کارمندان و مهندسان دستگیر شده‌اند. گفته میشود در چند روز آینده حدود ۱۰۰۰ - نفر دیگر دستگیر خواهند شد.

« در بزرگواریکشیه ۴/۷/با سداران به راهپای ۳ نفر از اعضای انجمن اسلامی کارخانه به خانه یکی از نمایندگان شورا می‌ریزیدند. مقابل اعتراض همسر و فرزندانش تهدید می‌کنند که او را از طبقه سوم به پایین پرت خواهند کرد. کارگران پس از شنیدن خبر دستگیری نماینده شورا طوماری با امضای اکثر کارگران کارخانه تهیه کرده و خواستار آزادی - نماینده شورا میشوند. کارگران میگویند

اگر نماینده جرسی مرتکب شده باشد در حضور آنها محاکمه شود. آنها برای آزادی نماینده شان تا روز شنبه به دولت وقت داده‌اند و در صورت آزاد شدن او اعتصاب خواهند کرد. انجمن اسلامی علاوه بر این اسامی ۵۴ نفر دیگر از کارگران و - کارمندان را به مدیریت داده است.

« در کارخانه تولید روغن با کستور دارویش انجمن اسلامی کارگران را تفتیش بدنی می‌کنند. در دارویش کارگری که به اعمال حزب جمهوری در رابطه با مبنی مدرونیروهای انقلابی مترقی - بود، به وسیله انجمن اسلامی شدیداً کتک خورده. در ایران تا سیوسال کارگری را که بعد از شنیدن خبر ترور خانه‌های - خوشحالی می‌کرده، بدست انجمن صدا کرده و شدیداً کتک زده‌اند.

« در راه آهن اعلامیه‌ای با امضای گردان انتقام حزب الله " داده شده که با مبنی ۲۲ نفر از کارکنان در آن نوشته شده ضمن تهدید همگی این عده به مرگ از آنها خواسته شده که استعفا کنند.

« در پارچین ۳۷ نفر از کارکنان دستگیر شده‌اند. در دیگر کارخانه‌های مناسبع دفاع نیز تا بحال حدود ۲۰ نفر دستگیر شده‌اند.

« در گروه زامیاد حدود ۲۶ نفر از کارگران جلوی در کارخانه با زداشت شده و آنجا مستقیماً به دادستان برده شده‌اند. هم چنین یکی از کارمندان کارخانه زر - بنام ابراهیمی به جرم طرفداری از سازمان مجاهدین در زندان اوین تیسر باران شد.

« کارگران مبارزان برای دفاع از دستاوردهای قیام خونبار بهمن ۵۷ و خنثی کردن توطئه اختناق و سرکوب حزب جمهوری اسلامی متحد و یکپارچه به مقابله با اخراج دستگیری کارگران آگاه و پیشرو بسر خیزیم

## انتخابات را تحریم کنید

### هموطنان مبارز!

انتخابات در باست جمهوری و انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار میشود که رژیم جمهوری اسلامی ابتدای ترین حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌های مردم را نگهدار کرده است. هزاران تن از فرزندان انقلابی خلق دستگیر و در بازداشت بسر می‌برند. همه روزه تعدادی از انقلابیون اعدا میشوند. مطبوعات و نشریات مخالف تعطیل و توقیف شده‌اند. احزاب و سازمانهای سیاسی از حق فعالیت علنی محروم شده و عملاً غیر قانونی اعلام شده‌اند. تظاهرات، راهپیماییها، میتینگها و سخنرانیها ممنوع شده است. آزادی بیان و آزادی عقیده بکلی از میان رفته است. هرگونه اعتراض کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش میهن ما قهر میسازد سرکوب میشود.

هموطنان مبارزان! رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال و نیم حکومت خود جز فقر، گرانی، بیکاری، جنگ، آوارگی ارمغانی برای مردم نداده است. اکنون که در برابر رشد تاراجی مردم سقوط حکومت خود را نزدیک می‌بینند، به سیاست ترور و سرکوب و دیکتاتور آنکسار متوسل شده و می‌کوشند با ایجاد محیط رعب و وحشت توده‌ها را از حرکت انقلابی بازدارند.

هموطنان مبارزان! دو سال و نیم حکومت جمهوری اسلامی به شما نشان داده که قول و قرارهای حکومت جز وعده و وعیدهای بچ و فریبنده چیزی نبوده است. تجربیات دو سال و نیم گذشته به شما نشان داده که انتخابات رژیم جمهوری اسلامی فریبی بیش نیست. شما در برابر اندوم جمهوری اسلامی، در انتخابات مجلس خبرگان، در انتخابات شورای اسلامی، در انتخابات رئیس جمهور و... شرکت کردید. این امید که بسا استفرار این نهادها خواستهای شما برآورده شود، اما در عمل تجربه کردید که هیچیک، یک گام عملی در جهت منافع شما برنداشتند. بسر گذاری مبنی در ریاست جمهوری نیز یک تجربه دیگر بود و شما در عمل دیدید که رژیم حتی به انتخابات قلمی خودش هم پایبند نیست.

هموطنان مبارزان! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میخواهد خواستهای مردم را برآورده سازد. اما محیات این حکومت یعنی ادا مه فقر، بدبختی، بیکاری، اختناق، جنگ و آوارگی. با تحریم انتخابات، انزجار و نفرت خود را نسبت به رژیم موجود نشان میدهد. در انتخابات شرکت نکنید، مبارزه خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی شدت بخشید و در راه ایجاد یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی، که متکی به شوراها و انقلابی توده ایست مبارزه کنید و حکومت دلخواه خود را ایجاد کنید.

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها و انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۲۰ تیرماه ۱۳۶۰

## افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



# ۲۳ تیر سالروز اعتصاب نفتگران را گرامی داریم

## و ابورتوفیس حزب توده را افشا کنیم

۲۳ تیر ما به دنبال پایان یافتن مهلت ۱۱ روزه، اتحادیه کارگران نفت، در سراسر مناطق نفت خیز جنوب اعلام اعتصاب عمومی کرد. حدود صد و پنجاه هزار نفر به اعتصاب پیوستند، خواسته های آنان عبارت بود از: - برکناری استادان مزدور خوزستان (مصباح فاطمی) - خلع سلاح "اتحادیه عشا پر خوزستان" - منع شرکت نفت از مذاخه در امور داخلی ایران - تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری - تعطیل شعبات سیاسی شرکت و اخراج سران آن از ایران - اجرای کامل قانون کار، اعتصاب موردتهاجم نیروهای ارتجاع داخلی و استعمارگران قرار گرفت. در آبادان حکومت نظامی اعلام شد. پالایشگاه آبادان به اشغال سربازان درآمد. عمل اتحادیه عشا پر به کارگران حمله کردند، نتیجه این حملات در روز اول این بود که ۲۷ کارگر شهید شدند، ۱۷۲ نفر زخمی و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند. کارگران مزدان و مقامات میگردند. در شهرهای دیگر اجتماعات و تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از کارگران نفت و علیت امپریالیسم انگلیس و دولت مرکزی صورت گرفت. موج اعتصابات و تظاهرات دولت مرکزی را واداشت تا از طریق مذاکره مسئله را حل و فصل کند. بسیاری این کار قوام السلطنه هیئتی مرکب از اعضای دولت و نمایندگان شورای متحد مرکزی کارگران، که از اعضای حزب توده بودند به خوزستان اعزام داشت. و آنها با وعده و وعید کارگران را به شکست اعتصاب و بازگشت به کار دعوت کردند. و بدین گونه اعتصاب بزرگ کارگران صنعت نفت پایان یافت.

بروسه رفت خود منجر به تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران شد که تا سال ۱۳۲۵ تعداد اعضای آن به ۴۰۰ هزار نفر رسید. ۱۰ اعتصابات کارگری هر روز گسترش میافت. در این اعتصابات خواسته های اقتصادی و سیاسی مطرح میشد. در سالهای ۲۴ و ۲۵ اعتصابات کارگری در جنوب گسترش چشمگیری پیدا کرد و تقریباً تمام نواحی جنوب را در بر گرفت.

حزب توده که رهبری شورای مرکزی اتحادیه های کارگری را در این زمان در دست داشت بخاطر سلطه انگلیسی بر معضات جنوب تا سال ۲۵ اقدام به تشکیل اتحادیه در این نواحی نکرده بود. اما مبارزات کارگران در بهار سال ۱۳۲۵ منجر به تشکیل اتحادیه در آبادان، آغاچاری مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز جنوب شد. این اتحادیه ها به شورای مرکزی پیوستند. در همین سال برای اولین بار اول ماه مه با شرکت ۸۰ هزار نفر از زمینکنان خوزستان جشن گرفته شد. فردای آن کارگران پالایشگاه آبادان با طرح یک سری خواسته های اقتصادی دست به اعتصاب زدند.

متقاضیان از چهار ردهم تا بیست و نهم اردیبهشت ماه ۲۵ هزار نفر از کارگران نفت آغاچاری نیز با طرح یک سری خواسته های سیاسی و اقتصادی دست به اعتصاب زدند. متقاضیان انگلیسی و دولت مرکزی که تلاشهایشان برای سرکوب جنبش کارگری بی نتیجه مانده بود، محبوس به عقب نشینی شدند. آنها که از گسترش موج اعتصابات وحشت داشتند، خواسته های کارگران را پذیرفتند و از سوی دولت مرکزی لایحه قانون کار تصویب شد. در این لایحه علاوه بر افزایش دستمزد، ساعت کار، صندوق تعاونی کارگران، سواردی از قبیل یک روز مریخی با حقوق در هفته، ۱۵ روز مریخی با حقوق در سال و تعطیل رسمی اول ماه مه با پرداخت حقوق پذیرفته شده بود. اما شرکت انگلیسی نفت از اجرای مفاد این لایحه سر باز زد و در عوض با بسیج عشا پر جنوب، مسلح کردن آنها و همکاری نزدیک با فرماندار آبادان، روی پای شهرهای مناطق نفت خیز و استانها رویت خوزستان آماده سرکوب جنبش کارگری شد.

در ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۵ مجدداً اعتصاب با شرکت ۶ هزار نفر از کارگران آبادان شروع شد و بلافاصله به سایر مناطق سرایت کرد. اعتصاب نواحی زیادی از قبیل مسجد سلیمان، آغاچاری، داخوین، کوت عبدالله، هفتگل، اهواز، بندر مشهور و گساران را در بر گرفت. شرکت نفت هم - چنان در برابر کارگران مقاومت میکرد و پیمانهای حقوق روز جمعه را منوط به گشودن اطلاع از لیدن می نمود. جنبش کوشنده و پیرشوان پیش میرفت ۱۱ روز مهلت برای شرکت نفت در نظر گرفته

۲۳ تیر ما سالروز اعتصاب خوبین کارگران صنعت نفت جنوب است. اعتصابی که در سال ۱۳۲۵ با شرکت ۱۵ هزار نفر از کارگران جنوب شکل گرفت و با همکاری نیروهای ارتجاع داخلی، استعمار انگلیس و حزب توده ایران به شکست انجامید. بررسی چگونگی شکل گیری این اعتصاب، که در نوع خود در تاریخ جنبش کارگری ایران بی نظیر است، مستلزم بررسی اوضاع سیاسی ایران در آن زمان بطور کلی و جنبش کارگری در طی سالهای ۲۵ - ۲۶ است.

### الف اوضاع سیاسی

میدان نیمه کد پس از شهریور ۱۳۲۵، زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمد، - دیکتاتور ری فاخانی نیز شکست نهایی دنبال آن محافل و جمعیت های اجتماعی و سیاسی یکسره مثل قارچ از زمین سر بر آوردند. در این زمان بود که تنهی چند از افراد گروه ۲۳ نفر با نمایندگان حزب کمونیست ایران و چند نفر از دموکراتهای لیبرال آن زمان بعنوان مؤسسین حزب توده بر وجودیت حزب را اعلام کردند. در این ایام با ورود ارتش های خارجی اوضاع اقتصادی بدت رو به وخامت نهاد. آثار اقتصادی جنگ جهانی واقعی آن در ایران آشکار شد. ارتقا عمومی بدت گویاب بود. مشاهده های قطعی در شهر و روستا دیده میشد.

شرکت انگلیسی نفت در جنوب گمان کان به غارت و چارول منابع خام ایران و استثمار کارگران ایرانی، هندی و آفریقائی تاغل در صنعت نفت ایران انداخته میدان، بر سر تاراج احوال بود که حزب به سرعت تجدیدات و به هم - تری جریانی سیاسی تبدیل کرد. حزب توده از همان ابتدا بدون توجه به اوضاع داخلی ایران، رسد جنبش توده ای، جنبش کارگری و مبارزه مسلح امپریالیسم در میان ما، نبرد تکلیفی با جنبش رومی شوروی و امپریالیسم انگلیس را میدان اتحادات کنگهای خود قرارداد و در برابر امپریالیسم انگلیس و اکثرت نشان میداد. حزب که در این زمان تا قدری تیره استراتژی ملی بود کورگورانسیت های بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در سال میگرد و از مبارزه خدی با ارتجاع داخلی را استثمار انگلیس سر باز میزد. نتیجه این سیاست ها چنانچه خواهیم دید، راه بردن غربت با سامی به جنبش کارگری ایران بود.

### بیمه وضعیت جنبش کارگری

در خلال سالهای ۲۵ - ۲۶ جنبش کارگری در ایران سرعت و تجدیدات و در

### ج - اعتلا جنبش کارگری

بررسی جنبش کارگری در این سالها (۲۵ - ۲۶) سرعت رشد، گسترش شکلها و اعتصابات کارگری نشان میدهد که جنبش کارگری در این مدت ویژگی های بارزی داشته است. گسترش زیاد، عمق و استمرار جنبش از خصوصیات این دوره بوده اند. اعتصابات که از یک نقطه شروع میشود و به سرعت به مناطق دیگر می کشد. تعداد اعتصابات کشتگانی که سرعت افزایش میابند، پی گیری اعتصابات که تقریباً تداوم دارد. حمایت کارگران در نواحی و مناطق دیگر که نشانه شکل سازمان یافتگی صفوف متحد کارگران است و بالاخره عقب نشینی های بی در پی دولت مرکزی و شرکت نفت که با سرکوب های خونین قاره جلوگیری از جنبش نیستند، از ویژگی های بارز این دوره اند. اما همه این شواهد بر چند چیز دلالت دارد؟

بقیه در صفحه ۸

# پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



# عقب نشینی موقت کارگران تعرض گسترده آنها را در پی خواهد داشت

بقیه از صفحه ۱

رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیمه اش همواره تلاش کرده تا دستاوردهای قیام بهمن ماه و مواضع دموکراتیک را - که توده ها با قیام مومبارزه خویش کسب کرده بودند از آنها بازستاند و ترور و اختناق را بطور کامل حکمفرما سازد، اما مبارز - با مقاومت توده ها روبرو شده و مجبور به عقب نشینی شده است. پیورش مرا سر و همسه جا ننه ۲۸ مرداد سال ۵۸ پیورش وحشیانه به خلق کرد و سرکمن، پیورش بدانها همسایه دارد. بهشت سال ۵۹ بارزترین نمونه های حمله رژیم برای محو دستاوردهای دموکراتیک توده ها است.

وجه تما پیورش اخیر رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب نیروهای انقلابی و فرودستان دادن جنبش توده ای، در دو مسقط و دهانه گسترده آن، کشتار و اعدامهای بی سابقه و تکیه بیش از پیش بر ارگانهای منظم و غیر منظم سرکوب و قتل و شکنجه و صیحه توده ای آنست.

در هفته های اخیر، شهرها و روستاهای صیحه مان عرصه تاخت و تازهای وحشیانه و جنایتکارانه حزب حاکم و دگمهای تا بهمان بود، در این مدت هزاران تن از نیروهای پیشرو انقلابی دستگیر و زندانی شدند و دهها تن از بهترین نیروندان خلق به جوخه های اعدام دادگاههای صفا انقلاب سپرده شدند. موج دستگیری - کارگران پیشرو در کارخانجات ابعاد به سابقه ای یافته، مدو پنجاه نفر، مدقن، شمت شهر، دستگیریهای گروهی و دسته جمعی کارگران پیشرو، با هیئت فدکا رگری رژیم و استقامت آشکارا ساخت.

موج سرکوب و کشتار که بویژه پس از صبح گذارید در دفتر حزب جمهوری اسلامی خوشونت با ارتگشته، وقفه ای کوتاه در مبارزات کارگران ایجاد کرده و کوتی توام با خشم و نفرت را در میان کارگران دامن زده است.

بررسی این وضعیت کارگران و ترسیم چشم اندازاتی مبارزات کارگری و کوشش برای کشاندن کارگران به عرصه فممال مبارزه و اتحادات کتیکها که میتواند توده های کارگران به مبارزه کشانده، - نیروی عظیم طبقه کارگر را در مسیر صحیح هدایت نماید برای جنبش انقلابی جا شتر اهمیت درجه اول می باشد.

دو چندان شده بود، سرعت این حربیه بورژوازی را نیز بی اثر ساخت و اندکسی پس از شروع جنگ دوباره صوح مبارزات کارگری با عمق و گسترش بمبارتیب پیشینی حرکت رویه اعتلانی خود را آغاز نمود. در پایان سال گذشته اعتصابات کارگری در بسیاری از کارخانه ها جریان داشت و کارگران بطور وسیع در حرکت های دموکراتیک جا صه شرکت میکردند. در این دوره همراه با زدودن اعتماد - نا آگاهانه کارگران نسبت به جمهوبه جمهوری اسلامی و خصیصی، توهم نسبت به بنی صدر در میان آنان رو بسزونی بود. این روند پس از ۱۲۲ اکتفد شتاب هر چه بیشتری به خود گرفته بود.

در هفته های شرفخردا دما که برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عملی شونیا توانی بنی صدر در صفا بله با حزب سکوت و کناره رفتن وی از صحنه سیاسی بمیزان بسیار زیادی - توهم کارگران را نسبت به بنی صدر فرو ریخت و بیش از پیش گرایش به نیروهای انقلابی در بین کارگران تقویت گردید.

سرکوب نیروهای انقلابی، اعدام - دسته جمعی انقلابیون بویژه اعدام رفیق فدائی شهید، عهده سطحی نیروها تمکا بی صیحه در میان کارگران پیدا کرد، تنفر و انزجار اغلب آنها را بر انگیزت. بیعت های سیاسی در کارخانها از گرفت، بحث حول اعدام انقلابیون و سیاست سرکوب گرانته حزب جمهوری اسلامی سرور بست طاقی کارگران - را تشکیل میداد. خواسته های اقتصادی - کا ملا" تحت الشعا خواسته ها و بیعت های سیاسی کارگران قرار گرفته بود، نمونه - ها ش می شده - دنگه کارگران کتا بهای شهر رفیق سمیدرا به کارخانها آورده و خوانده بودند. در بیعت کارگران گزایش به نبره - های انقلابی کا ملا" مشهود بود، انحصاری اسلامی و صیحا "منفرد و بی زوله شده و مورد - تنفر توده کارگران قرار گرفته بودند.

اما بدنبال سرکوبهای وحشیانه و جنبانیتیا رژیم جمهوری اسلامی بویژه - پس از ۳۰ خرداد تا کنون که صدها تن از بهترین فرزندان انقلابی خلق قربانی آن شدند و هزاران تن دیگر به سیاهال - ها رژیم کشانده شدند بویژه پس از انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی و تشدید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، اثرات خود را هر چند کوتاه مدت و موقتی بر روحیه توده ها از جمله کارگران و اشکال مبارزات آنها بر جای گذارده و سکوتی توام با خشم و نفرت در میان کارگران دیده می شود. سکوتی آشنای که از خود غلبی نی انقلابی حاکمی از همبستگی با مبارزین اعدامی و اسیر سخن می گوید. اکنون با امداران و کمیته جیها بشیر ما نه دم در کارخانها - مستقر شده اند و به بیانه حمل بمب به بارزی بدنی کارگران هنگام ورود به کارخانها می پردازد، انجمنهای اسلامی قدرت که تا ز میدان شده اند و بیانی ری از کارگران پیشرو و هر کسی که قبلا" توسط

انجمنهای اسلامی شنا ساشی شده بودند - دستگیر و زندانی و یا اخراج شده اند. تحت این جوار غاب تا کنون کارگران ندرتا - به اعتراض گسترده و فعال علیه این تضییحات رژیم دست زده اند.

حزب جمهوری اسلامی و هدف اصلی رادر رابطه با دستگیری صیصی کارگران پیشرو - دنبال می کند، نخستین هدف وی ایجاد جو ترور و اعدام و جلوگیری از گسترش مبارزات روه با اعتلا کارگران است و دومین هدفش حذف کارگران پیشرو از مراکز کارگری است چرا که بخوبی واقف است که کارگران پیشرو چه نقش ارزنده ای در سازماندهی اعتراضات کارگران، تنظیم خواستها و رهبری مبارزات کارگری - سر عهده دارند.

بررسی صیصی وضعیت جنبش کارگری در مجموع خود بنیادنگر ا فتی موقتی در مبارزات آشکارا کارگران است. ارزیابی صیصی نشان میدهد که در برابر پیورش سرکوبگرانه رژیم، کارگران بیک عقب نشینی نسبی تن داده اند، اینکه کارگران در برابر دستگیری دهها و صدها تن از همکاران شان حرکت اعتراضی می کنند، چه مخالفت جدی با استقرار نیروهای مسلح در کارخانه ها و بارزی بدنی کارگران می پردازد - در برابر تکیه تازیهای جنم های اسلامی سکوت می کنند و غیره... همگی حاکمی از این عقب نشینی نسبی است.

اما این عقب نشینی نسبی را نمیتوان یک رکود طولانی مدت و یک شکست کامل ارزیابی نمود، این عقب نشینی موقت برای ایجاد بقواست این یک عقب نشینی موقت است تا جنبش با نیروی بیشتر بسد تعرض بپردازد، گامی است به عقب تاسا جنبش بجوزداشته باشد، این باررسی مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تحولات نیروهای طبقاتی به صیحه نشان میدهد.

توده های بیش از پیش به برآورد شده خواسته های واقعی شان توسط رژیم جمهوری اسلامی بی می برد، و به عدم امکان تغییر از بالا آگاه می می بند و بطور دم افزونی به درک ضرورت تغییر از پایین تا شکل می شوند هر چند هنوز توان و آما دگسی دست یازیدن به اشکال کا ملا" شکارو - انقلابی وجود ندارد، اما اجد سرنگونی رژیم در میان توده ها نصیبی گیرد، بحران اقتصادی شدت وحدت می یابد، نا رضایتی توده ها اوج می گیرد، تضادهای طبقاتی عمیق بافته و تضادات اجتماعی گسترده میشود، حزب جمهوری اسلامی با دست زدن به سرکوب وحشیانه و اعدام جنایتکارانه انقلابیون بموض تثبیت و تحکیم خویش نا قوس مرکش را بسا در آورده است و در میان توده ها منفور تر و بی اعتبار تر می گردد. علیرغم پیگرد های وسیع و خا نه گردنیهای وسیع، دستگیریهای وسیع و حملات بسا نه رژیم نتوانست ضربات اساسی بر نیروهای انقلابی وارد آورد، خلق کرد لیرانه و مسلحانه در برابر

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۳



۲۳ تیر ۶۰ - صفحه ۶

"واقعیات انتخابات توده‌ای گسسته دامنه آنها از ناحیه‌ای بنا شد دیگر گسسته میبود، رشد عظیم آنها، سرعت توسعه آنها تهور کارگران، کثرت میهنی و نطفهای انقلابی، مطالبه انحاء جریحه خشی اول - جامعه، توأم بودن اعضا با ت سیاسی و اقتصادی که ما از زمان انقلاب نخستین روس با آن آشنا هستیم، تمام اینها جنبه واقعی جنبش، یعنی اعتدلی انقلابی توده‌ها را برای اولین نشان میدهد - (لنین - اعتدالی انقلابی)

تردیدی نیست که جنبش کارگری در آن ایام در بهترین شرایط ممکن و در حالت اعتدالی قرار داشت، اما برخورد رهبران شوروی متحده مرکزی با جنبش کارگری و جنبش توده‌ای بطور کلی از عمق نظرات اپورتونیستی حزب توده است که در آن شرایط اعتدالی جنبش کارگری را نه بخدمت گسترش مبارزات - فدا مپریالیستی - مگر آنکه، مردم را بلکه بخدمت برقراری نوعی توازن میان امپریالیسم انگلیس و دولت شوروی -

گرفت، فشارهایی که از طریق اتحادیه های کارگری در جنوب بر شرکت نفت وارد می شد، وسیله ای بود برای اینکه استعمارگران در جنوب حدود خود را بسط و مناسبات خود را متفقی نشان را رعایت نمایند، از این رو بود که حزب توده - تنها چیزی که توجه نداشت اعتدالی جنبش کارگری رهبری مبارزات توده‌ای بنا بر دستبندی به قدرت توده‌ای و هدایت -

مبارزه فدا مپریالیستی بود، حزب توده در عمل سیاستهایی را دنبال میکرد که تا به سیاست خارجی حزب کمونیست، اتحاد شوروی و منتهی به تحلیل اوضاع کلی جهان در آن شرایط بود، بدون این که این تحلیل ها در چهار چوب ملی و سیاسی های جنبش در ایران منطبق شده باشد. بدین ترتیب برده و وقتی شما بندگان حزب توده بعنوان نمایندگان شوروی - متحده مرکزی کارگران در کنار نمایندگان دولت قوام وارد خوزستان شدند و در یک اجتماع ۲۰ هزار نفری برای کارگران - صحبت کردند و سخنهایی را بندگان دولت از نمایندگان کارگران کارآسانی نبود، آنها هر دو بقدم فریب کارگران، شکست من اعتبار و آرام کردن اوضاع بشفق دولت مرکزی به آنجا عزیمت کرده بودند، از این رو بود که شما بندگان حزب توده، حامل هیچگونه نیایی برای کارگران که بتوانند مبارزات رویش آنها علیه استعماری انگلیس، را با زهم ارتقاء دهند،

بلکه برعکس کارگران را به سکوت، سکون و مصلحت و آرامش دعوت کردند تا بیدار گری های بیشتر را در گام بیست و نه دست آورند، در آن زمان نیز مستلسمه گرفتارند از بالا، بنفوذ در ارگانهای حکومتی، کم توجهی به جنبش کارگری و جنبش توده‌ای، دنباله روی از منشی کلی و عمومی سیاست جهانی اتحاد شوروی از جانب حزب توده، شرایط خود را بر جنبش کارگری ایران وارد ساخت و جنبش بود - که اعتصاب مدوینجا به مبارزاتی کارگران نفت جنوب یا همکاری امپریالیسم انگلیس، ارتجاع داخلی و حزب تسوده مورد شایع قرار گرفت و به پایان ناموفق خود نزدیک شد.

امروز نیز حزب توده در قبال کشتار کارگران و فعالین سازمانهای انقلابی، موضع فدا انقلابی حاکمیت را نشان میدهد می کند و نشان میدهد که ما در آن سیاست های رسوایی گذشته خویش را بی گری - نموده و از اصول خویش دست بردار نیست.

باتصویب طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری  
قصابخانه های جمهوری اسلامی شکل قانونی و  
دهدیشگی می یابند

مردم ما سیاه و خستناک عملکردا بین قصابخانه ها را از زمان ما میای پس از قیام در سرکوب نیروهای انقلابی و توده های مبارز دیده اند، آنها دیده اند که حتی رژیم در این دادگاهها از جانب ساواک نظیر تهرانی و آرش برای کوسیدن سازمانهای انقلابی استفاده کرد، مردم بیاد می آورند که چگونه هشت ماه پس از قیام همین بیدادگاهها در گردنشان به دستور خلیفای جنایتکار ردکنر شویستند سرداری گرجی بیانی و... را با محاکمات چند ساعته بیوجه اعدام گنا گناه سواشی آن در سراسر جهان بلیندند، مردم دیدند که چگونه یکی دیگر از این قصابخانه ها بسرگردگی فهمید چاشنی که پرورس شده جنایتش شهره عام و خاص است در کرمان برادران میرشکاری، این فدا نشان خلق را که گناهی جز آنکه می دادن به کارگران از طریق توزیع کتاب در بین آنها نداشتند با محاکمات چند ساعته اعدام کرد، مردم فراموش نکرده اند که بدست همین بیدادگاهها و بدستور خلیفای بود که حکم قتل چهار رهبر خلق ترکمنستان شوماج، چوچانی، و احدی و مختوم ما ترسد ملی از ترس مردم داستانی قلابی ساختند که گویا بدست یک گروه ناشناس کشیده شده اند، و با ز مردم بطر ادرارند که چگونه بدست این قصابخانه ها دکتر رحیمیما - پزشک خلق و دهها مبارز انقلابی و مبارزان خلق عرب در اوزبکستان و سایر خوزستان با اعدام محکوم شده و بیوجه های اعدام سپرده شده اند، همین بیدادگاهها بودند که پس از "تسخیر" سندج در بهار ۵۹ - دسته دسته دختران و پسران مبارز کردار در سندج، سقز، میا بادو... به جوشه اعدام سپردند، و با لاشه همگی با مصلح دادگاههای انقلاب یا قصابخانه های جمهوری اسلامی که سران خاشاک ارتش را از آدمی کنند و میرا نظام ها با آنها بدرک جا سوخی را تنها بزدان محکوم می کنند در سه هفته اخیر بیش از صد نفر از انقلابیون و وابسته به سازمانهای فدا نشان خلق و مجاهدین خلق، پیکار و مبارزه را از دست نهادن، شیرین، اصفهان، بابل، رامسر، جالوس، بیشر، اهواز، قاشم شهر، گرج و... با محاکمات چند ساعته و بدون رعایت کوچکترین موازین قانونی و بشری بشهادت رسانند، آنهاست با اعدام انقلابیون و مبارزانی چون سعید سلطانی، محمد قاضی، روحانی و دختران و پسران ۱۴ ساله که به آرمای خلق و فدا دارمانندند بکینه در منشا خود را به مبارزان و درنده خوئی خویش را نشان دادند، سیاه عملگردا این بیدادگاهها، ما هیت فدا خلقی، فدیشوری و قیوم رطاشی این قصابخانه های جمهوری اسلامی را برای توده های میلیونی خلقهای ما آشکارا خنداست، قصابخانه - ها ئی که در قضاوت و سنگدلی و نقیص تمام موازین بشری تنها با بیدادگاههای فاشیستهای هیتلری، جنایات آمریکادر ویتنام و صهیونیستها در فلسطین قایل فلکایه است.

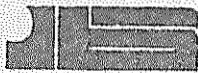
و اکنون دولت جمهوری اسلامی سال قانونی را با قانونی ودا ضعی کسردن همین ابزارهای سرکوب فدا خلقی با سو میبرد و در این میان تمام خاشاکان مردان به طبقه کارگر و خلق که نقیصه مسا طغری رژیم را بیداد گرفته اند، برای اعمال جنایتکارانه...

در کار ما کرم یورش حاکمیت به حقوق و آزادیهای مردم، شکنجه و اعدامهای دسته جمعی مبارزان و انقلابیون و کشتار مردم در کوه و خیا بان و دستگیریهایی وسیع مردم و برکردن زندانهای رسمی و غیر رسمی از آنها و خانه گزینهای گسترده که خاطرات خانه گزینیهایی سالهای سه روزیمشاهرا زنده کرده است، مجلس شورای اسلامی ماده واحده الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری را به تصویب رسانده، ماده واحده میگوید: "داد - سراها و دادگاههای انقلاب بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی است و زیر نظر شورای عالی قضایی اداره میشود - طبق ماده ۵۸/۲۷ شورای انقلاب عمل خواهد کرد."

با این ترتیب، دادگاههای انقلابی که بعنوان دادگاههای موقتی و موقت و موقت با عوامل رژیم شاه در ماههای اول و بعد از قیام موجود است و دولتی و مدتی کوتاه بدل به قضایی علیه نیروهای انقلابی گردیدند و مطابق قانون اساسی دست بخت خودشان می یابستی منحل شوند، با این ماده واحده صورت رسمی و قانونی یافته و به صورت دائمی تثبیت شده اند، این دادگاهها که از نظر نحوه داد رسی هیچگونه قابطی را رعایت نکردند و مطابق آنچه عملگردا آنها نشان میدهد خند طرف خندیدند پس از دستگیری و حتی قبل از احراز هویت مبارزان دستگیر شده را اعدام می کنند دادگاههای هیتلری که یکدیگر جنایتکار حرفه ای بی نام حاکم شرع نظیر خلیفای شهیم، خلیفای ایضانی، حتی و... بر آن حاکمند و دستشان تا سر مرفق در خون انقلابیون و مبارزان غرق رفته است، این دادگاهها حکام خود را بیوجه قوانین دوران رژیم شاه و محمدرضا شاه (قوانین دادگستری ارتش و منتهی علیه امنیت کشور - مصوب ۱۳۱۵) و مقررات شرع ما در می کنند، زیرا ماده ۵۸/۲۷ شورای انقلاب گسسته مورد استناد ماده واحده قرار گرفتند، بیای دادگاههای نظامی دوران شاه، دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم فدا انقلاب را پیش بینی کرده ولی از نظر قوانین همان قوانین با استساق را با طریبات آنها با استساق و در حقیقت وظایف ساواک و داد رسی ارتش را برای آنها تعیین کرده است، تجربه دو سال گذشته و عملگردا این بیدادگاهها نشان داده است که این قصابخانه ها دست بیدادگاههای نظامی رژیم شاه را از دست بسته و در عذر احکام جنایتکارانه در دستشان برآورد باز ترا از آنهاست، زیرا این دادگاهها علاوه بر اینکه حق ارتداد تمام قوانین فدا خلقی رژیم شاه علیه انقلابیون، کارگران مبارزان، دهقانان محروم و خانگیان تحت ستم و... استفاده کنند هم جنبشهای مروج ماده واحده حق دارند،... طبق فتاوی ایام مدظله و در مواردی که از جانب ما متوجهی ما در شده است طبق منایم دیگر مستشاری اسلامی که از جانب شورای عالی قضایی با آنها ابلاغ گسردند عمل کرده و رای را صادر کردند، و از این روست که مدتها می آید و این "فصدی الارض و محارب یا خدا" مردم را می کشند و ما می دیگرها هتا و این "مردمیایی" و با لاشه امروز با عنوان "باید دستهای فرزندان انقلابی خلق را بیدادگاههای اعدام می میرند."

مردم ما سیاه و خستناک عملکردا بین قصابخانه ها را از زمان ما میای پس از قیام در سرکوب نیروهای انقلابی و توده های مبارز دیده اند، آنها دیده اند که حتی رژیم در این دادگاهها از جانب ساواک نظیر تهرانی و آرش برای کوسیدن سازمانهای انقلابی استفاده کرد، مردم بیاد می آورند که چگونه هشت ماه پس از قیام همین بیدادگاهها در گردنشان به دستور خلیفای جنایتکار ردکنر شویستند سرداری گرجی بیانی و... را با محاکمات چند ساعته بیوجه اعدام گنا گناه سواشی آن در سراسر جهان بلیندند، مردم دیدند که چگونه یکی دیگر از این قصابخانه ها بسرگردگی فهمید چاشنی که پرورس شده جنایتش شهره عام و خاص است در کرمان برادران میرشکاری، این فدا نشان خلق را که گناهی جز آنکه می دادن به کارگران از طریق توزیع کتاب در بین آنها نداشتند با محاکمات چند ساعته اعدام کرد، مردم فراموش نکرده اند که بدست همین بیدادگاهها و بدستور خلیفای بود که حکم قتل چهار رهبر خلق ترکمنستان شوماج، چوچانی، و احدی و مختوم ما ترسد ملی از ترس مردم داستانی قلابی ساختند که گویا بدست یک گروه ناشناس کشیده شده اند، و با ز مردم بطر ادرارند که چگونه بدست این قصابخانه ها دکتر رحیمیما - پزشک خلق و دهها مبارز انقلابی و مبارزان خلق عرب در اوزبکستان و سایر خوزستان با اعدام محکوم شده و بیوجه های اعدام سپرده شده اند، همین بیدادگاهها بودند که پس از "تسخیر" سندج در بهار ۵۹ - دسته دسته دختران و پسران مبارز کردار در سندج، سقز، میا بادو... به جوشه اعدام سپردند، و با لاشه همگی با مصلح دادگاههای انقلاب یا قصابخانه های جمهوری اسلامی که سران خاشاک ارتش را از آدمی کنند و میرا نظام ها با آنها بدرک جا سوخی را تنها بزدان محکوم می کنند در سه هفته اخیر بیش از صد نفر از انقلابیون و وابسته به سازمانهای فدا نشان خلق و مجاهدین خلق، پیکار و مبارزه را از دست نهادن، شیرین، اصفهان، بابل، رامسر، جالوس، بیشر، اهواز، قاشم شهر، گرج و... با محاکمات چند ساعته و بدون رعایت کوچکترین موازین قانونی و بشری بشهادت رسانند، آنهاست با اعدام انقلابیون و مبارزانی چون سعید سلطانی، محمد قاضی، روحانی و دختران و پسران ۱۴ ساله که به آرمای خلق و فدا دارمانندند بکینه در منشا خود را به مبارزان و درنده خوئی خویش را نشان دادند، سیاه عملگردا این بیدادگاهها، ما هیت فدا خلقی، فدیشوری و قیوم رطاشی این قصابخانه های جمهوری اسلامی را برای توده های میلیونی خلقهای ما آشکارا خنداست، قصابخانه - ها ئی که در قضاوت و سنگدلی و نقیص تمام موازین بشری تنها با بیدادگاههای فاشیستهای هیتلری، جنایات آمریکادر ویتنام و صهیونیستها در فلسطین قایل فلکایه است.





# پیرامون یازدهمین اجلاس هیئت شورای سراسری صنعت نفت

یازدهمین اجلاس هیئت شورای سراسری - صنعت نفت در اولین روزهای تیرماه با شرکت شوراهای عملیات پالایش تهران، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، - شورای عملیات پالایش تبریز و شورای عملیات فنی اصفهان در پالایشگاه اصفهان برگزار گردید. دستور کار - جلسات اعلامیه بیرونی خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز و نحوه ادامه حرکت اعتراضی کارکنان این پالایشگاه بود.

این اعلامیه در واقع دنباله بحث ها و بررسی های اجلاس هیئت تهران بود. در اجلاس هیئت قرار بر این شده بود که شوراهای شرکت کنند در هر کدام جداگانه در مجموع عمومی خود مسائل و مشکلات و خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز را مورد بحث و بررسی قرار داده و بر اساس نتیجه حاصله در اجلاس هیئت یازدهم شوراهای سراسری تصمیم گیری شود. لذا در این اجلاس هیئت شورای عملیات فنی اصفهان و شورای کارمندان پالایشگاه شیراز به وظایف خود عمل نمود. و اما در هنگامی که قرار برای پیگیری حرکت اعتراضی اعلام نمودند اما شوراهای تبریز و تهران ضمن حمایت از خواسته های اصولی پالایشگاه شیراز نتوانستند یونگ موضع روشنی درقبال حرکت اعتراضی اتخاذ نمایند. عملیات پالایش - تبریز اظهار داشت که بعلمت تجدید شد انتخابات شوراهای موفق به تشکیل مجمع عمومی نشده است و شورای عملیات - پالایشگاه تهران نیز بعلمت اینکه در مجمع عمومی ۲۰ خرداد ماه نتوانسته بودند به نتیجه قطعی دسترسی یابند تصمیم گیری را به مجمع عمومی ۳ تیرماه ۶۰ موکول کرده بود. در نتیجه اجلاس هیئت یازدهم کار خود را با تصمیم گیری های زیر پایان داد.

۱- پالایشگاه های تهران و تبریز از مجمع عمومی نظر خواهی می توانند همراهِ با دیگر پالایشگاه ها حرکت را دنبال کنند و اگر چنانچه موفق نشوند اعلام حمایت از حرکت کنند.

۲- پالایشگاه شیراز و اصفهان در روز ۳ - تیرماه ۶۰ حرکت اعتراضی خود (اعتصاب غذا) را به مدت یک هفته به اجرا در آورند. (این حرکت بصورت تحریم غذا - دستوران پالایشگاه شروع شد.)

۳- کمیته ای بنام کمیته پی گیری در هر شورا تشکیل گردد و چنانچه نمایندگان ویا همکاران ..... در ضمن کمیته شرکت کنندگان در اجلاس فوق اقدامات ضد کارگری فدشورایی سید علی آیت الهی با زور و بی زحمت وزیر در صنعت نفت را محکوم کردند. آنها در پایان اجلاس - خود چنین اظهار داشتند.

در اطلاعیه مورخ ۱۷ اردیبهشت، سید علی آیت الهی در رابطه با برسمیت نشناختن شوراهای در صنعت نفت شدیداً محکوم میباید و معتقدیم که شورا برآمده از طبقه انقلاب بوده و نبودن آن توسط کارکنان معین میگردد و لا غیر. آنچه در خاشاک این اجلاس تا بسط توجه است این است که شوراهای تبریز و تهران در عین حال که در حقانیت و -

اصولی بودن کارکنان شیراز تردیدی نداشتند و آنها را تا شایسته میگردانند اما در اقدام عمل خود برای دست زدن به یک حرکت یک پارچه و متحد، تصمیم نبودند. آنها هنوز یک گام از شوراهای دیگر عقب بودند. شوراهای تبریز و تهران نیز با موقعیت استثنائی روبرو شدند. مثلاً آنها نیز سرکوب و اختناق را خوب سعی احساس می کنند. آنها نیز حضوراً جمعهای اسلامی حزب ساختار که امروز بصورت - کارکنان توطئه علیه کارکنان مبارزان درآمده و آشکارا اقدام به شتابانی و دستگیری و تعقیب غنا در فعال شوراهای مبارزان را در گام می کنند. - نامی توانند انکار کنند. هر روز در جلو چشم آنها این زائده های رژیم سرکوب ترور، اختناق و خفقان و وظایف خود را در جهت ایجاد محیط رعب و وحشت به آشکارا ترین شکلی انجام میدهند. هدف آنها مستقیماً نابودی شوراهای دستگیری نمایندگان شوراهای و از هم پاشیدن این نهاد های انقلابی است.

رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از اداره بازرسی در صنعت نفت، انجمن های اسلامی، تقویت اداره حرکت و دهها اهرم دیگر زیر حمایت ۳ بدستانی که سعی در آن دارند که کوچکترین صدای حسیق - طلبان را در کارکنان را در گلو خفه ساخته و حتی مبارزات آنها را با یکبارگی و خسوس ابکشد. در چنین شرایطی خاموش نشستن، دم نکشیدن و تنها نظاره گر این اوضاع و احوال بودن راه تنها بسمت حساب سازان شوراهای در راه حقوق شورایی و دفاع از دستاوردهای انقلاب دانست بلکه باید آنرا با خصاب همگامی با ضد انقلاب و کمک به نابودی دستاوردهای انقلاب گذاشت. بدینست جریان را از زبان خود کارکنان بشنویم:

شوراهای پالایشگاه اصفهان و شیراز ضمن توضیح اینکه "چرا کارمندان - پالایشگاه ها دست به اعتصاب غذا میزنند" میبویسد: حقوق شورایی کارکنان با سیر تصاعدی محدود می شوند، شوراهای مبارزان مارک و برچسب از حیثه وظایفشان که دفاع از حقوق کارکنان و نظارت بر تولید و توزیع است دور می کنند. ....

نمایندگان جنگ زده را در رابطه با احقاق حقوق جنگ زدگان صنعت نفت در ما شهر و در آنجا نوسر وزارت نفت دستگیر میکنند و حتی دوتن از آنان را به حبس ابد محکوم می کنند. تورم و گرانی سرسام آور از یک طرف و کم کردن حقوق ها از طرف دیگر فشار را بر دوش حقوق بگیران که ما هم جزئی از آنان هستیم، افزون کرده است و بسیاری مسائل دیگر که در نامه ای به کفیل وزارت نفت و تمام - ارگانهای مملکتی ارسال داشته ایم که همه مبنی گوشه های از مشکلات و دردهای ما است. دیگر چگونه میتوان سکوت کرد و دیگران را نیز به سکوت دعوت کرد؟ دیگر چگونه میتوان جوار غم موجود در پالایشگاهها را نادیده گرفت؟ دیگر چگونه

میتوان پذیرفت که حقوق مکتسب از انقلاب که همانا حق حاکمیت بر سر نوشت کارکنان میباشد، را به آسانی از دست

بدهیم. راستی چگونه میتوان با این فشار و تحریک و توطئه با این همه حرکات ضد کارگری، ضد شورایی، ضد مکرانیک و در مجموع ضد انقلابی مقابله نکرد؟ پالایشگاه های تهران و تبریز، راهی جز حرکت یکپارچه و متحد، راهی جز همکاران همگامی با شوراهای دیگر و راهی جز اقدامات عملی و استفاده از نیروی سر نوشت ما - کارکنان در نظر دارند؟

نتیجتاً آنچه از اجلاس هیئت یازدهم میتوان آموخت این است که هنر سرور - ضرورت اتحاد عمل شوراهای سراسری را عمدتاً "پارهای شوراهای درک نگردانند. در شرایط حساس و سر نوشت ساز کنونی تمامی شوراهای تمامی نمایندگان - انقلابی و تمامی کارکنان مبارز صنعت نفت میبایست در جهت تقویت شوراهای استعجاب هر چه بیشتر آنها، بیشتر با هم تصمیمات اجلاس هیئت سراسری و عملی با ختن آنها بکوشند، میبایست، بسرعت نقاط - ضعف خود را بر طرف ساخته و بیدار اندک کسه زمان زمان حرکت است.

شوراهای نمی توانند تنها رهبرگری خود و در نتیجه مرگ یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب باشند. امروز ضد انقلاب تصمیم - تر و لوجا نه تر از هر زمان دیگر گرفته شده است. این نهادها ستهاست. اقدام - همه جانبه، یکپارچه و مصمم و متحد کارکنان صنعت نفت در حمایت از شوراهای انقلابی و اجرای تصمیمات آنها در مقابله با سرکوبگران رژیم جمهوری سلما "مانع پیش روی ضد انقلاب خواهد شد.

## عقب نشینی موقت

بقیه از صفحه ۷  
یورش های رژیم مقاومت می کند، نیروهای انقلابی در این شرایط آبدیده تر میشوند و خود را برای - رهبری مبارزات گسترده و برآدمه های آماده می کنند. حزب جمهوری اسلامی با گسترش خشونت بمقام یک سیستم حکومتی، شوهرمات دموکراتیک توده ها را در هم می ریزد و اقتدار قانون جمهوری اسلامی را در نظر زخم کشان بر هم میزند. روحیه انقلابی هنوز در توده ها درهم نشکسته است، عقب نشینی موقت کارکنان مقدمه تعرض جدیدان خواهد شد. اقدام انقلابیون و وسعت رژیم تخم کینه و نفرت را نسبت به ارتجاع حاکم در دل توده ها کاشته است و بر اساس همین کینه و نفرت نهال نسو مند مبارزه خلق علیه رژیم جمهوری اسلامی سکوفان خواهد شد. بقا و امت انقلابیون و کارکنان نیرو در دلدکاها و ضد انقلاب، مقامت توده ها در کارخانه، مزرعه، کوی و برزن افساء وسیع جنایات رژیم با عتباتی روحیه انقلابی کارکنان و زخم کشان خواهد کردید.

شهادت خلق در قلب بزرگ طبقه کارگران ایران جای دارد و قاتلان آنها از هم امروز توسط تاریخچه چهار میسج کشیده شده اند.

## رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقی را



# وعدۀ انحلال ساواک، دعوت مردم به ساواکی شدن!

# خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

یکی از مواردی که آیت الله خمینی در مورد آن وعده‌های بسیاری داد، انحلال دستگاه‌های اختناق، سا‌نور، سرکوب و بخصوص ساواک و زندان‌ها بود. توده‌های خلق سالیان سال در زیر ظلم و فشار ساواک قرار داشتند، انقلابیون کشتار میشدند و در جهت برقراری جوار عساکر و خفقان، ساواک و سا‌نور دستگاه‌های سرکوب هر شیوه غیر انسانی را بکار می‌گرفتند. کوچکترین لب‌گشودن به اعتراض در پستی خود زندان و شکنجه و حتی اعدام را داشتند. سا‌نور سیاه بر مطبوعات و تلویزیون‌ها سال میشد، شکنجه‌های حیوانی ساواک کینه و نفرتی عظیم در دل توده‌ها ایجاد کرده بود، زندان‌ها و سیاه‌چال‌های رژیم شاه در دل خود بهترین فرزندان خلق را بعنوان "خوابگاه" و "خانه امنیتی" ... به زندانبازان کشیده بودند و ارتش ضد خلقی شاه ارگان سرکوب خلق‌های منطقه بود. هر روز در کوچه و خیابان کشتار می‌کرد و در سال‌های آخر حکومت ننگین رژیم پهلوی نقش عمده‌ای در سرکوب خلق ایفا نمود. توده‌ها که کشتارهای وحشیانه ارتش در تبریز، قم، اصفهان، نجف آباد، شیراز، مشهد، کرمانشا و تمام شهرها را شاهد بودند، توده‌ها که در تاج‌رب عملی خود ما هیت ضد خلقی ارتش را به بی‌بهای خون هزاران نفر لمس کرده بودند، توده‌ها که هر روز شاه‌ها و اشراف‌ها و ۱۱۳ بان‌ها بودند و با خاستند تا ارتش ضد خلقی را نابود کنند. تا فرماندهان مزدور آمریکایی را به نیروی خلق محاکمه نمایند. توده‌ها بی‌خاستند تا قتل‌های ظاهری را، ظاهری‌ها، مدنی‌ها، شاکرها و ... را نابود کنند، ساختار آمریکایی و ضد خلقی ارتش را در هم ریزند و ارتش خود را بنا سازند. توده‌ها برخاستند تا ساواک و در پی آن تمام دستگاه‌های اعمال سرکوب و اختناق را نابود کنند، توده‌ها بی‌خاستند تا دیگر درجا معه تفتیش عقاید و سا‌نور برقرار نگردد، بی‌خاستند تا دیگر کنترل تلفن، بازرسی نامه، تعقیب و مراقبت و ... اعمال نشود. بی‌خاستند تا دستگاه دیگری که به جرم عقاید خود زندانی شود، زندان‌ها بی‌سی‌آزاد گردند و شکنجه و ترور را زمین بسرود. توده‌ها بی‌خاستند تا بساط ارگان‌های سرکوبگر خلق را درهم نوردند، آیت الله خمینی که بخوبی به این خاستهای توده‌ها واقف بود در مقابل آن دوشویه را برگزید، از یکسو با طرح شعار "ضد انقلابی" ارتش بسازد. ما ست به مبارزات توده‌ها بر ضد این ارگان سرکوبگر ما رزد، در نهایت نیز با فتوای خود قیام خلق را که میرفت تا ارتش و ساخت ضد خلقی آن را نابود سازد متوقف ساخت و سپس نیز رژیم جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله خمینی با حفظ ساخت ارتش، با بکارگیری فرماندهان مزدور شاه یا سرکسب شورا‌های پرسنل انقلابی، مزدورانه به بازسازی سریع این ارگان ضد خلقی پرداخت.

وازوسی دیگر در قبال سایر ارگان‌های سرکوب وعده و وعده‌های بسیاری طرح کرد تا بر موج مبارزات توده‌ها سوار گردد. آیت الله خمینی می‌گوید: "جامعه آینده ما جامعه آزادی خواه بود و همه نهادها فشار و اختناق و همچنین استعمار را زمین خواهد رفت" (مما حبه با مجله اسپیکل آلمان - ۱۶ آبان ۵۷) و در جای دیگر می‌گوید: "ساواک و تمام سازمان‌های امنیتی را منحل خواهیم کرد، آنگاه مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها بسا حکومت منتخب خودشان خودبزرگترین ضمانت حفظ امنیت درجا معه می‌باشد" (مما حبه با مجله المستقبل ۱۵/ آبان / ۵۷) و بدین طریق قبل از رسیدن به قدرت به توده‌ها وعده میداد که تمام نهادها سرکوبی که ساواک بر آن استوار شده اند نابود خواهد شد، دیگر ساواک نخواهیم داشت و دیگر تفتیش عقاید، سا‌نور، شکنجه، ترور و ... را زمین خواهد رفت. خمینی در شرایطی که شاه دروا می‌سین لحظات حکومتش به بسیج جما قسداران میبرد، از دوسوی دارد بدین طریق مبارزات توده‌ها را سرکوب نماید. "این حقا یک بدست‌ها واجب القتل می‌باشند و تمامشان را باید کشت زیرا که مفسد فی الارض هستند و بسبب کشتار و وحشیانه می‌شوند." (پیام آیت الله خمینی ۵/ آبان ۵۷) اما پس از کسب قدرت، که فقط و فقط با اتکال به نیروی توده‌ها انجام گرفت دیدیم که چگونه تمام این وعده‌ها فراموش شد. رژیم جمهوری اسلامی نهاد‌های سرکوبگر را بهیچ وجه حفظ نکرد و فقط به آنها پوشش اسلامی پوشانید. ساواک را به نام ساواک بازاری کرد. تعداد معدودی از ساواکی‌ها که بر اثر نفرت و کینه خلق فرار دادند آن‌ها از مجازات مکن زندان ابد شدند، تعداد دیگری نیز به زندان‌های کوتاه مدت و سی‌جریمه نقدی محکوم شدند اما بقیه آزادانه به توطئه خود ادامه دادند. سپس با فرمان عفو خمینی ساواکی‌های زندانی نیز آزاد شدند. رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا در جهت بکارگیری و بازسازی نهاد‌های سرکوبگر پیش رفت و در راه از فشار لیست اسامی ساواکی‌ها، اعضای "سیا" خودداری کرد. با لایحه هم‌پا بکارگیری ساواکی‌ها، ما و ما را تشکیل داد و بر ضد توده‌ها و نیروهای انقلابی بکار گرفت. بار دیگر تفتیش عقاید و سا‌نور به جا معه حکمفرما شد. کنترل تلفن‌ها و نامه‌ها از سر گرفته شد. جاسوسی و جاسوس‌پروری ایستادی تازه یا فتنه وزارت ارشاد اسلامی جای اداره سا‌نور را گرفت و با یاری "دادسراها" انقلابی به سا‌نور، توقیف و بیکسردن شریات متروقی پرداخت. تیم‌های گمنامی و تعقیب و مراقبت سازمان داده شد. سیاه‌کمیته‌ها به سرعت به نهاد‌های ضد خلقی و در خدمت سرکوب توده‌ها بدل شدند. ضرب و شتم و ترور و کشتار از سر گرفته شد. بی‌ورش بی‌

را هیما نیما، نظارات، تحمضها و هر مبارزه توده‌ای شکل گرفت، باندهای سیاه و دستجات چماق‌دار به جان توده‌ها افتادند و به ترور نیروهای انقلابی پرداختند. خمینی که قبلاً وعده میداد "تمام نهاد‌های فشار و اختناق از میان خواهد رفت" اینک تمام نهاد‌های فشار و اختناق و سرکوب را تحت عنوان "نهاد‌های انقلابی و ستون‌های انقلاب" تحت حمایت و پشتیبانی مستقیم خود گرفت. آیت الله خمینی نه تنها ساواک را منحل نکرد و ساواکی‌ها را مجازات ننمود بلکه کار را به جایی رسانید که اینک تمام می‌تواند توده‌ها را به ساواکی شدن فرا می‌خواند و می‌گوید: "همه با بدست ساواک اطلاعات با شهید آیت الله خمینی که فتوای کشتن چماق‌داران را میداد، چماق‌داران جدید را تحت نام حزب الله در پناه خود گرفت و کشتار خلق را "جنگ با کفار" نامید. آیت الله خمینی که وعده میداد ساواک منحل خواهد شد، نه تنها ساواکی‌ها را عفو کرد بلکه ساواک را توده‌ها را ساواک اسلامی و باندهای سیاه را نیز "بازار" و "خدمتگزاران خلق" نامید، بهشتی‌ها و چمران‌ها را مورد حمایت خود قرار داد. توده‌ها که بی‌خاسته بودند تا دیگر زندانی‌های سیاسی وجود داشته باشد از فردای قیام شاه دستگیری بهترین فرزندان خلق، فدائیان و مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی، بودند. توده‌ها که بی‌خاسته بودند تا دیگر کسی به جرم داشتن یک عقیده خاص به زندان نیفتد دیدند که چگونه افراد را به جرم عقایدشان در رژیم جمهوری اسلامی اخراج و تعقیب می‌کنند، مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار میدهند و ترور می‌کنند. توده‌ها که برخاسته بودند تا شکنجه را نابود سازند دیدند که چگونه رژیم جمهوری اسلامی شکنجه را از سر گرفت، چگونه شلاق زدن، کابل زدن، ضرب و شتم سوزاندن با سیگار و اطو، شکنج دست و پا، تاج و زوا اعدام و ... همه و همه بنام اسلام و بدست مزدوران جمهوری اسلامی بکار گرفته شد. و چگونه خمینی بر تمام این اعمال مهرو تا شهید زود ترا "افتخار" جمهوری اسلامی نامید. خمینی حتی پس از بدستگیری قدرت نیز جهت فریب توده‌ها سخنانی طرح نمود و گفت: "اسلام برای کسی که گناه ندارد بیک ساعت حبس قابل نیست" آنها هم که گناهکارند بیک فحش نیا بدیهشان بدهند، بیک سیلی نیا بدیهشان بزنند" (اطلاعات ۵۸/۲/۳۰) اما توده‌ها شکی این سخنان را می‌شوند هر روز شاهدند که چگونه در کوچه و خیابان انقلابیون مورد شدیدترین ضرب و شتم قسداران می‌گیرند، چگونه افراد به علت نوشتن شعار، بخش اعلامیه، فروش نشریه و یا شرکت در تظاهرات، در کوچه و خیابان کتک می‌خورند، دستگیر می‌شوند و ترور

بشمیر رضیحه ۱۱

ترور، شکنجه، زندان، حربه‌خار تکران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان



# رجائی

## مهرهای جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی

جمهوری ازسوی حزب جمهوری اسلامی بشناسا ندولی ازسوی دیگرانچنانچه چهره خودرا نزدتوده‌ها نمایان ساخت وچنان منفورتوده‌ها گشت که به یقین میتوان گفت حزب تنها از طریق توسل به تقلباتی بزرگ، از طریق توسل به تهدید و آراب، از طریق کشتنیدن مردم به پای صندوق بزور سرنیزه و اخراج دستگیری و در نهایت از طریق ابداع دروغی بزرگ در نتایج آراء خواهند توانست آورا به ریاست جمهوری انتصاب نمایند.

با زرگان و چیزی بجز ترسیم سریع سیستم وابسته نبود، سیاستهای دولت رجائی برای توده‌ها چیزی بجز تشدید گرانسی، فقر و بیکاری، بجز تشدید سرکوب و خفقان و ترور و بجز جنگ و آوارگی و خانه خرابی بیارنیا و درودرغوش برای امپریالیستها فواید مزایای بسیاری را در برد داشت. دولت رجائی مبتکر حل مفتضحات مسا له گروگانها بود، دولت رجائی بسا وجود فسادهای عوامقربیا نه فساد امپریالیستیش تمام می سعی خود را در جهت حل مسا له گروگانها بسودا امپریالیسم بکار برد و الحق که در این مورد بسیار موفق بود و بدین طریق چراغ سبزی بسیار رنگی را به امپریالیستها نشان داد. دولت رجائی مبتکر عقد قراردادهای ننگینا قتصادی با امپریالیستها گشت و از آن جمله به عقد قراردادهای اسارتباری چون قراردادهای تلپوت، قراردادهای چند میلیار دی با کمپانی نیهای کروب آلمان، میتسوشی ژاپن و... پرداخت. دولت رجائی زمینه مسا عدی جهت کلاهبرداری های کلان و دزدیهای افسانه ای از جمله دزدی ۵۶ میلیون دلاری معامله اسلحه و کلاهبرداری ۴۸۰ میلیون فرانکی معامله شکر فرانس باخت (و اینها فقط موارد معدودی است) بسیار مواردی است که افشا شده است.

دولت رجائی، مبتکر تعدید عقیدت قراردادهای آریا مهری چون قرارداد مجتمع پتروشیمی بندر خمینی با ژاپن و قراردادهای بسیار دیگری بسا امپریالیستها اروپاینگشت و با الاخره در زمان دولت رجائی سیاستهای ضد خلقی قتصادی این دولت باعث کاهش بی سابقه صادرات و افزایش بیابقه واردات کالاهای امپریالیستی گشت. بصورتی که اقلام وارداتی در ۱۱ ماهه اول سال ۵۹ نسبت به مدت مسا به در سال ۵۸ حدود ۱۷٪ افزایش یافت.

سیاستهای ضد خلقی دولت رجائی بیش از پیش به وخامت اوضاع زندگی توده‌ها افزود. دولت رجائی طرح افزایش مالیاتها را بصورتی که بار کمر شکن آن بر توده‌ها را زحمتکش وارد آید را راه دادا دو همچنین سیاستهای خود به رشد روز افزون نرخ تورم و دامن زدن بیش از پیش به گرانسی و فکالت و فلاکت توده‌ها را باعث شد.

تنها لایحه بودجه ارائه شده ازسوی دولت رجائی بخوبی بیانگسرت سیاستهای ضد خلقی دولت اوست. در این بودجه بالاترین اقلام به خریدتسلیحات نظامی از کشورهای امپریالیستی اختصاص دادا دو بیشترین تکای آن نیز به مدورنیت به همین کشورها قرار داد. و بدین طریق بودجهای امپریالیست پسند و تشدیدکننده بحران قتصادی و فقر و فلاکت توده‌هاست.

بهرور رجائی با پیشبرد ایسین سیاستهای ضد خلقی در مدتی کوتاه از سوئی توانست خود را بعنوان مهره ای مناسب جهت کاندیداتوری ریاست

اینک پیشا پیش میتوان حدس زد که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد رجائی را بعنوان رئیس جمهور آیینده از صندوق بیرون بیاورد مدتی است که تما میسی بلندگوهای حزبی بکار افتاده اند. پس از مقادیر زیادی زمینه سازی های مفتضحاته، پس از اینکه حزب جمهوری اسلامی در مراسم در قطنها مه‌های که به اسم مردم صادر نمودخواستار کاندیداتوری رجائی شد، پس از آنکه در نمازهای جمعه و در راه دیوتلوپزیسون و مطبوعات حزبی از رجائی خواسته شد که خود را کاندید کند، رجائی ازسوی حزب جمهوری اسلامی وضام آن از جمله "طلاب حوزه علمیه قم، روحانیت مبارزه دفتر تحکیم وحدت، مجاهدین انقلاب اسلامی و..." کاندیدای ریاست جمهوری گشت. آقای بیژادنیوی نیز بسا پیشگویی خود که "مردمان دفعه حتمی بیش از دفعه قبل در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کنند (نقل به معنی از صما حبه مطبوعاتی بیژادنیوی) نشان داد که حزب جمهوری قصد دارد به صورتی ممکن بزور تقلب، تهدید و آراب و تبلیغات، رجائی را با آرائی قابل توجه و چشمگیر رئیس جمهور کند.

اینکه حزب جمهوری اسلامی رجائی را کاندیدای خود کرده است چیز عجیبی نیست. رجائی در مدت اشغال پستهای حکومتی بخوبی نشان داد که ازسوی بخوبی قادر است سیاستهای ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی را در موارد محوله پیش برد و حتی در موارد معینی چون سانسور، تفتیش عقاید و سرکوب سنگ تمام بیژادنیوی دیگر مهره‌ها، سربراه و مطیعی است که او از مزجری را بخوبی به اجراء می آورد. اما این مساله که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد چون سا بیروم را در رجائی را مورد علاقه و حمایت توده‌ها جا بزند، بجز یک بنظر می رسد چون در این مدت توده‌ها چهره رجائی را بخوبی شناخته اند.

رجائی کسی است که در بیست وزارت آموزش و پرورش بشکلی وقیحانه سیاست، تفتیش عقاید، تصفیه و اخراج به پیش برد. صدها معلم مبارز را اخراج و "تصفیه" کرد. سیستم جاسوسی وسیعی را توسط اجیرشدگان امورتربیتسی در آموزش و پرورش حاکم گردانید. تفتیش عقاید در مدارس برقرار کرد. معلمینی را که از اقلیتهای مذهبی بودند به آنها تهمتهای مختلف گنار نهاد و حتی دانشجویان تریبیت معلّم را که از اقلیت های مذهبی بودند اخراج کرد. و حتی کارا به جاسوسانید که در مقابله با نیروهای مترقی و جهت جلوگیری از رشد آگاهی دانش آموزان دست به کار انحلال آموزش و پرورش کردستان و لرستان شد.

سیاستهای دولت رجائی بر عکس ظاهر عوامقربیا نه‌ای که به آن داندند چیزی بجز تداوم سیاستهای دولست

### خمینی چه گفت؟

### خمینی چه کرد؟

### وعده انحلال ساواک...

می گردند. توده‌ها که خود می بینند چگونه دستگیر شدگان مورد شدیدترین ضرب و شتم و اهانته فرار دارند بسا به ما هیت فریبکاری را نه سخنان خمینی پی می برند. آیت الله خمینی میگوید: به تمام اعضاء کمیته‌ها و زندانها حکم میکنم که با زندانیان هر کس باشد به طرز انسانی و اسلامی رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و کشتن آنها بجا رخودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است" اما توده‌ها دیگر بخوبی به شکنجه‌های سبوعاقه مزدوران جمهوری اسلامی پی برده اند. توده‌ها بخوبی میداندند که چگونه ما شاللقصابها در خدمت رژیم جمهوری اسلامی قسار دارند. چگونه مزدورانی چون لاجوردی، زندانیان را مضروب و مجروح میکنند چگونه توماچها و مختومها و جهان مسا توسط رژیم شکنجه و ترور شده اند چگونه مضمقریشی‌ها در جلوی چشم مردم ترور شده اند. توده‌ها عکس جسد فدائی شهید سعید سلطانپور و آثار ضرب و شتم را بر صورت او دیده اند و میداندند که چگونه مزدوران رژیم اورا مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند و چگونه او را به جرم "سو" سابقه یعنی سوارزه بار رژیم شاه یعنی تحمل شکنجه و زندانهای آریا مهری یعنی ازبای نشستن و پیمودن راه خلق، اعدام کرده اند. توده‌ها هر بار یادیدن این وحشیگری‌ها بیشتر و بیشتر به ما هیت فریبکاری را نه "سران و زهربران" رژیم پی می برند. توده‌ها در تجارب عملی خود در میابند که رژیم جمهوری اسلامی در خدمت سرما به سرما به داری است. انسان بسرعت در یافتها ندگه فریب خورده اند هیچیک از خواستهایمان برآورده نشده است. توده‌ها در میابند که خمینی تمام وعده‌ها و وعده‌های خود را نقض کرده است و باید دستگیری قدرت در خدمت است سرما به داران قرار گرفته است.

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست





# انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنیم

بار دیگر انتخابات ریاست جمهوری فرا میرسد. رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی این انتخابات را برگزار میکند که موج سرکوب، ترور و اعدامهای وحشیانه سراسر کشور را فرا گرفته است. رژیم در مقابل مبارزات او جگر پاره شده و با سرکوب خود را شدت بخشیده است. شوراها را کارگزی تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته اند، انجمن های اسلامی در کاخ نجات بیداد میکنند، بسیاری از کارگران دستگیر شده اند، اخراج هر کارگر مبارزی را تهدید میکنند، هر تحصن، اعتصاب و راهپیمایی با گلوله پاسخ داده میشود. مبارزات دهقانان با یورش وحشیانه سواران مواجه است. خانه کردی و تفتیش بدنی در خیابانها امنیت مردم را از بین برده است. رژیم حملات وحشیانه خود را در کردستان شدت بخشیده است. هر اعتراضی با گلوله پاسخ داده می شود. کمیته چپها و سایر ارگانهای سرکوبگر و بیرومی و میثودوبیا ندهای سیاه حزب الهی در خیابانها یکه تازی میکنند. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که تمامی آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم با یمنال شده است. نیروهای انقلابی هرروزه در خیابانها ترور میشوند. موج اعدامهای دیوانه وار رژیم شدت یافته است جوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله بسنه جرم شرکت در تظاهرات اعدام میشوند، زندانها از زندانیان سیاسی پر شده است و رژیم استادیونها را به زندان بدل کرده، تمامی تشریفات انقلابی در توقیفند و راه دیوتلو بیرون در قیقه رژیم قرار دارد. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که فقر و فلاکت زندگی توده هایسای زحمتکش را فرا گرفته است. گرانی بیداد میکند، نه تنها بیش از سه میلیون بیکار و ناخواسته ها بیش از در سخت ترین شرایط زندگی میکنند بلکه کارگران شاغل را نیز غول بیکاری تهدید میکند. بر اشرح جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بیش از دو میلیون آواره جنگی در سخت ترین شرایط با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم میکنند. صلیب بسیاری نا پوشده و هزاران خانواده از مرگ فرزندان شان دا غدارند. در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد برای تشییع خود انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری را برگزار کند. مردم را بفریبند و به پای صندوقها بکشانند و به قبضه حکومت شکی. قانونی، مشروع بدهد.

هموطنان! کارگران و زحمتکشان!  
انتخابات گذشته را بخاطر بیاد و بید رژیم موجودیک دره به برای مردم اهمیت نمی دهد. ولایت فقیه رای خودش را بالاتر از همه مردم میداند رژیم در گذشته هر بار وعده داده که پس از انتخابات با تشکیل نهادهای حکومتی مشکلات توده ها حل خواهد شد. اما توده ها در تجارب عملی خود دیدند که نه تنها با تشییع رژیم مشکلات زندگی توده ها حل نشد بلکه روز بروز نیز بر شدت آن افزوده گشت. توده ها هر بار به این امید به پای صندوقها رفتند که پس از انتخابات گرانمی مهرا شود، مشکل بیکاری و مسکن حل شود، آزادیهای سیاسی تا مین گردد و ۱۰۰۰۰۰ ما اینک دیگر تجارب عملی به توده ها میا سوزد که رژیم جمهوری اسلامی به خواهستهای آنان پاسخ نمیدهد. نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه روز بروز بر شدت آن نیز خواهد افزود. اینک روشن است که بقای رژیم جمهوری اسلامی، یعنی شدید فقر، شدید گرانمی، تشدید بیکاری، تشدید سرکوب، اختناق، ترور، شکنجه و تشدید وابستگی به امپریالیسم.

حزب جمهوری اسلامی میخواهد برای قانونی کردن قبضه حاکمیت، رجائی، رار رئیس جمهوری کند، رجائی کسی است که در مدت نخست وزیریش نزدیکی به امپریالیسم را سرعت هر چه تمامتر به پیش برد. گروهگانی را به آن شکل مفتضانه آزاد کرد، قراردادهای سنگین تالیوت، کروب و میسنوئی را با امپریالیستها بست. رجائی کسی است که دولتین مالیاتها را - آنهم فقط در مورد توده های زحمتکش - افزایش داد و حمایت بیدریغ از تجار و سرمایه داران با زار را پیشه کرد. ائی کسی است که سیاستهای دولتش جز فقر و روزافزون، گرانمی، کمزگی و آرمی و سرکوب چیزی برای توده ها ببار نیاورده است. اما... است که حزب جمهوری اسلامی در راه انتخاب آوازه خیل و شیرنگی استفاده خواهد کرد. حزب جمهوری اسلامی انتخابات را به روز... در دست بگیرد بعد از ۲۱ ماه رمضان انداخته است تا از احساسات مذهبی توده ها جدا کند. استفا ده را بکند، حزب در این راه مسلمات وسیعی خواهد کرد، و تبلیغات دروغین بسیاری را سازمان خواهد داد. مسلما "ارتوسل به تهدید و اعراب و ایجا دشمنیها بائی نخواهد داشت. روشن است که حزب جمهوری اسلامی با لافخوره با توسل به هزاران حیل و شیرنگ کاندیدای مورد نظر خود را با آراء انقلابی از صندوق در خواهد آورد. اما اینها زمانی این قریبها و شیرنگها نمیتوانند توده ها را به پای صندوق بکشند، بلکه خود باعث افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی خواهند شد.

به پای صندوقهای رای نروید، انتخابات رژیم جمهوری اسلامی را تحریم کنید. مبارزات او جگر پاره خلق و ناراضی فزاینده مردم نشان میدهد که توده ها خواستار این رژیم نیستند. با تحریم انتخابات گام دیگری در جهت مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، درجهت نابودی حزب جمهوری اسلامی و ایجا دمجلس مؤسسانی دمکراتیک و انقلابی که رژیم مورد خواست توده ها را برقرار سازد بردارید. در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی تشییع جمهوری اسلامی، یعنی صحنه نهادن بر سیاستهای فلاکت آور رژیم، یعنی صحنه نهادن بر سرکوب، کشتار، ترور، شکنجه، اختناق و سانسور، در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی پشت کردن به مبارزات خلق. اینک باید مبارزات را شدت بخشید، باید به ایجا دوگسترش شوراها پرداخت، باید نهادهای مردمی چون کمیته های محلی را سازمان داد، باید تمامی کوشش خود را در جهت مقابله با رژیم جمهوری اسلامی و در جهت تقویت شوراها بکار گرفت و از این طریق مقدمات ایجا دمجلس مؤسسانی دمکراتیک و ملی را مهیا ساخت. تحریم انتخابات گامی است در این جهت.

## تحریم انتخابات، ادامه انقلاب

مرکب بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها، انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان  
نابود باد امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه دخیلش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۲۵ تیرماه ۱۳۶۰



# علیه دستگیری و اعدام انقلابیون پا خیزید!

### هموطنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی با اعدام مدها تن از بهترین فرزندان خلق و دستگیری هزاران انقلابی و مبارز در تلاش است که حکومت ترور و اختناق را بر میهن ما حاکم گرداند.

هم اکنون جان مدها تن زندانی را خطر مرگ و تیرباران تهدید میکند. با اعتراض گسترده خود علیه دستگیری و اعدام انقلابیون و پشتیبانی از اعتراضاتی که علیه جنایات رژیم صورت میگیرد، متحداً "در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و جنا بیکارانه رژیم بمقابله برخیزید."

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۲۵ تیرماه ۱۳۶۰







## پاسخ بدستوالا

### مجلس مؤسسان چیست؟

است را ملتی کند. این کار بدون یک سلسله دگرگونی های اجتماعی و سیاسی ریشه دار ناممکن است. تحقق کامل و - این دگرگونی ها بر بستر پیشروی انقلاب بورژوا - دموکراتیک میسر میگردد. به همین دلیل پرولتاریا مجلس مؤسسان واقعی یا بعبارت بهتر مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی را فرا میخواند. این مجلس همان نظورگسه از مائش پیداست، از دو خصمه برخوردار - است:

اولاً - بیانگرا راده توده های مردم است ثانیاً - دارای قدرت تاسیس میباشند. بورژوازی ضد انقلابی تلاش میکند که این دو خصمه را از مجلس بگیرد و آنها را ارگان بی بدون محتوا و آلت دست خود بدل سازد. از این روگافی نیست که به مجلس نسبت مؤسسان انقلابی خود ویسا اینکه نمایندگان مردم در آن جمع شوند بلکه باید شرایط مادی برای اینکه این مجلس واقعا "دموکراتیک و انقلابی" باشد فراهم آید. این شرایط مادی - کدامند؟

اول اینکه انتخابات این مجلس باید بر اساس رای گیری عمومی، مستقیم و مساوی و برای مخفی صورت کیسرد و تمام مردم بدون هیچگونه امتیاز - طبقاتی در آن شرکت داشته باشند. دوم آنکه این مجلس باید از امکان و توانائی مادی و عملی برای ایجاد شالوده های نوین در جامعه برخوردار - باشد. این جنبه ها نیز اهمیت فوق العاده است. در تاریخ نمونه مجلس فرا تکفورت در انقلاب ۱۸۴۸ آلمان را سراغ داریم که اکثر نمایندگان آن از بورژوازی - لیبرال تشکیل شده بود. ایقان بنسنام هیات مؤسسان ظاهرآ "برای تاسیس جمهوری به وراچی و بحث های صیبتسذل و بیهوده نشستند. آنها بجای نابود کردن نظم کهنه و رژیم سلطنت، ارگانهای آنرا دست نخورده نگه داشتند. در واقع با آن سازش کردند. این سازش زمینه ای شد که پادشاه فراری آلمان با تکیه آن - مجدداً "قدرت خود را احیاء کرد.

اما چگونه میتوان به جنبه مذکور شده جامعه پویا نمود؟ - مجلس مؤسسان توده ای تا زمانیکه قدرت دولتی کهنه به جیات خود ادامه میدهد، از ایفای رسالتی که بر شمردیم عاجز است. در حقیقت حفظ اتوریته قدرت دولتی کهنه و ایجاد دیکتاتوره تنها بزرگی توده ای که قدرت واقعی را در دست دارد، با یکدیگر سازگاری ندارد. ساری بین این دو قدرت حرف مهمی است. بورژوازی خواهان همزیستی بین این دوست. تناقض موجود در آنها تنها از زاویه منافع بورژوازی قابل تبیین است. همانطور که گفتیم بورژوازی با دموکراسی کامل مخالفت است چرا که پرولتاریا با استفاده از آن خوردا - متشکل کرده و علیه سلیطه، سرمایه بیسیا میخیزد. مجلس مؤسسان قدرتی است که بر سر

با انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه، عرصه نوینی در تاریخ تکامل بشریست آغاز شد. در طول این عرصه تاریخی که تا کمون پاریس ۱۸۷۱ بطول انجامید طبقه بورژوازی بعنوان طبقه ای انقلابی رسالت نابودی نظام پوسیده و کهنه فئودالی و ایجاد نظم اقتصادی و اجتماعی نوین را بدوش داشت. رشد آزاد و سریع سرمایه داری نیاز به آن داشت که آثار روعا رض اجتماعی و سیاسی نظم کهنه بطور قطعی محو و نابود شود. این خود از طریق یک سلسله اصلاحات دموکراتیک اجتماعی و اقتصادی میتوانست عملی گردد.

"آزادی سیاسی" شعاری بود که بر تارک - اصلاحات فوق مبدرخشید. بورژوازی تحقق این شعار را سر لوجه اصلاحات خود قرار داده بود. او یک شیوه انتخابی حکومتی برقرار کرد تا بتواند اولاً تمرکز سیاسی ایجاد کرده و برخلاف نظام فئودالی "یک ملت واحد، حکومت واحد، قانونگزار ی واحد، منافع ملی طبقاتی واحد و مرزهای گمرکی واحد" (مارکس و انگلس، مانیفست کمونیست) بوجود آورد. ثانیاً "از طریق این شیوه حکومتی آزادی سیاسی را تاسیس و حفظ آنرا تضمین نماید. او در قلمنت شیوه فوق و بعنوان عالی ترین ارگان حکومتی پارلمان را قرار داد. در این مجلس نمایندگان طبقات مختلف فئودال - خواننده میشدند و طبقه، تاسیس نظم نوین را بر عهده گرفتند. از این لحاظ بنام - مجلس مؤسسان خوانده شد. بر این اساس است که لنین مجلس مؤسسان را نهادی بورژوازی - دموکراتیک محسوب میکند: "در جمهوری بورژوازی، مجلس مؤسسان عالی - ترین شکل دموکراتیک است." (لنین تزه ای مربوط به مجلس مؤسسان - منتخبات - ص ۵۷۱).

انقلاب بورژوازی و آزادی سیاسی برای پرولتاریا بی اندازه مفید است زیرا او برای رهائی خود از قید سرمایه و در نتیجه رهائی تمام زحمتکش از یوغ استثمار، مبنایست قبل از هر چیز خود را متشکل سازد. برای این کار به آزادی - تجمع، بیان، مطبوعات... بطور کلی، آزادی سیاسی احتیاج دارد.

از طرف بورژوازی که مرگ خود را در رشد و تکامل شکل و آگاهی طبقاتی پرولتاریا میبیند، علی رغم اینکه از نظر تاریخی طی دورانی بعنوان حامل آزادی سیاسی بشمار میآید، در برابر خواست فوق الذکر پرولتاریا میایستد. به همین خاطر لازم میآید که انقلاب بورژوازی در رویدن نهادها و آثار نظم کهن بیکیرو قاطع نباشد. رژیم سلطنت و ارتش دائمی و غیره مورد تکیه بورژوازی قرار میگردد. پارلمان (بخوان مجلس مؤسسان) از - محتوای واقعی خود تهی شود و صرفاً " بصورت نهادی برای تضمین آزادی مبادله و تجارت، آزادی استثمار کارگران و - زحمتکش در آید. بقول لنین: "تفهم بورژوازی در اینست که اصلاحات لازم یک درجهت دموکراسی بورژوازی بعمل میآید، کندتر، تدریجی تر، با احتیاط تر. ست تر و از طریق رفرم باشد از طریق انقلاب" (لنین - دواتکتیک یوسیال دموکراسی).

از این دوره به بعد بورژوازی به طبقه - ای ارتجاعی تبدیل میشود و وظیفه تاریخی استقرار آزادی سیاسی بردوش پرولتاریا گذاشته میشود. برخلاف بورژوازی، پرولتاریا نمیتواند صرفاً به صحبت از آزادی سیاسی اکتفا نماید بلکه برای تحقق و تضمین آن معیارهای اساسی اتخاذ و اقدامات عملی و بیکیروانه ای دست میزند. در وهله اول باید تمام ارگانهای که ناقص آزادی سیاسی برای کارگران و زحمتکش

بایه توده های انقلابی استوار است. در حالیکه حکومت کهنه قدرتی است استبدادی متکی به سرکوب توده های انقلابی. از این روح حفظ اقتدار را کمیت مطلقه و اجساد یک مجلس مؤسسان واقعی اساساً متناقضند. بورژوازی ضد انقلابی حتی اگر تحت فشار شرایط عینی تن بسازد فراخوانی این مجلس دهد، تمام تلاش خود را بر این تکتکه متمرکز میکند که آنرا به شیوه ای انقلابی متحقق سازد و بدینوسیله از محتوای واقعی اش تهی سازد.

بر این اساس پیش شرط برقراری یک مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی سر - نگونی حکومت کهنه و جایگزینی آن توسط دولتی متشکل از کارگران و زحمت - کشان شیروده است.

در انقلاب ۲ - ۱۹۵۵ روسیه توده های مردم از طریق تجربه به ضرورت مجلس مؤسسان رسیدند. در ابتدا آنها به تحمل نا پذیری استبداد و ضرورت یک دستگاه نمایندگان توده ای پی بردند. ولی آنها نمیدانستند که حکومت کهنه - دستگاه نمایندگان توده ای که دارای قدرت واقعی باشد، با یکدیگر سازگار نیستند.

حوادث ۹ ژوئیه و فراخوانی دوما ی بولیکمین و بدنبال آن اعتصاب اکتبر که منجر به انحلال این دوما گشت به توده ها عملاً نشان داد که برای دستیابی به آزادی، دلخوش کردن به وعده آن ابلهان است بلکه باید به "نیرو" متکی بود. پس از اینکه تزار در دسامبر ۱۹۰۵ - به محو آزادی ها پرداخت، توده ها قیام مسلحانه در مسکو را آغاز کردند. علیرغم اینکه قیام شکست خورد، مناره زده مسلحانه علیه تزار ادامه یافت. تزار مجبور به فراخوانی دوما ی بورژوازی ویت ( ) شد. بدینوسیله این یکی را نیز تحریک کردند ولی چون توان کافی برای ساقط کردن آن نداشتند از این تحریم نتیجه ای نگرفتند. اقدامات ضد انقلابی دوما ی "ویت" باعث شد که از یک طرف توهینات مشروطه خواهی توده ها فروریزد و از سوی دیگر مآهیت واقعی بورژوازی لیبرال افشاء شود. جنبش انقلابی توده های اوج مجدد گرفت. دوما ی "ویت" تحت فشار مبارزات توده ها منحل شد. در این باب که کارگران و دهقانان روسی به پیوسته یک مجلس فاقد قدرت واقعی پی بردند. رویدادها و شرایط عینی مبارزه طبقاتی مسئله قدرت را در دستور کار قرار داد.

شماره بولشویکیا مبنی بر مبارزه بر سر سرنگونی حکومت استبدادی به منظور تشکیل مجلس مؤسسان به شیوه انقلابی بصورت شعرا طلی جنبش درآمد. این تجربه پر بار بحث این حکم لنین را بر ادیکر با ضرات زمانه کهنه پیش شرط تشکیل یک مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی سرنگونی حکومت مطلقه میباشد دولت موقت انقلابی که قدرت را در دست میگردد از آنجا که ارگانهای است برآمده از قیام توده ها است، کار در فراخوانی مجلس مؤسسان توده ای میباشد. تنها برای بستراست که مجلس مؤسسان به صورت قدرتی استوار بر توده های انقلابی نمودار میشود. از طریق دولت موقت انقلابی که به عنوان ارگان قیام توده ها شناخته میشود برای آنکه دارای قدرت و توان ایجاد دیک رژیم جدید باشد، علی لقا عمده مبنایست بر دو عنصر زیر استوار باشد: ات شورا های نمایندگان کارگران و دهقانان و سربازان ۲۰ - سازمان مسلح توده های. لنین این دو عنصر را اساساً مبنای موفقیت مجلس مؤسسان میداند. او در این زمینه مینویسد: "سازمان پیروزی و ایجاد





# توده‌ها در انتخابات مجلس بی اعتبار شرکت نخواهند کرد

بقیه از صفحه ۱

شرا بطی که حزب با شبه کودتا شلیک را کنار گذاشت و زمین را بید کرده، در حالی که رژیم بورژوازی خود را بر بنیادهای انقلابی صحنه‌ها نکرده و هر ساله لایحه را ولوبه آنها می‌دهد، یک نشریه و یک شرکت در یک نظر هرات بخوشه اعلام سپرده و طرف سه هفته گذشته بیش از ۱۰۰ نفر را اعلام کرده است و هنگامی که مردم در خانه‌ها، در خیابانها بطرز وحشیانه ایدستگیر میشوند و در کارخانه‌ها دستگیریدسته جمعی کارگران آگاه و مبارز پیدا میکنند، و هیچگونه روزنامه و نشریه‌ها را وجود ندارد، در چنین شرایط غفقا ن با ریاست که دولت تصمیم گرفته است انتخابات ریاست جمهوری و مجلس را انجام دهد و بخواهد خود مجلسی بگردد و گوش بفرمان حزب جمهوری اسلامی بوجود آورد. اما همان طور که در انتخابات میان دوره‌ای در ۱۹ شهریور نشان داده‌ها و یوسی ز مردم دیگر رعیتی به شرکت در انتخابات در مجلس شورا ندارد، ما در بررسی انتخابات میان دوره‌ای دیدیم که چگونه زیک شهریک میلیون و دویست هزار نفری تیریز شنما ۶۴ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند و چنین وضعی در شهرها و دیگر نظیرا ترلسی

شما یعنی کم و بیش در گذشته وجود داشته و این روزها با محیط ترور و وحشتی که رژیم بوجود آورده زمینه قبول آن بیشتر فراهم شده است.

در چنین اوضاع و احوالی شیوه‌ها و تاکتیکهای مردم در جریان انتخابات با هر چه با پیش پیش معلوم است که مردم نسبت به شرکت در انتخابات مجلس رغبتی ندارند و در هر دو صورتی که انتخابات میان دوره‌ای نشان داد مردم عملاً آنرا تحریم کردند، زیرا بسیاری از مردم اعتقاد به مجلس و نهادها و حکومتی ندارند، علت عدم هنگامی که در انتخابات با مجلس معلوم است مردم سال پیش حرکت کردند هنوز امیدها و نگرانی‌ها نمانده، خوش بین ترین آنها فکری کرده‌اند مجلس با گذراندن لایحه مردمی به نیا زها و آرزوها نشان با سخمشیت دهد، زیرا در این هنگام مردم تبلیغات میگردانند هنگامی که آنها در انتخابات با مجلس شورا در یک شکل نشوند نسبتوان انتظار شروع اصلاحات اجتماعی را داشته‌اند، و بدین ترتیب شده‌ها هم فکر میگردانند و تریبون مجلس میثوان مساثل مردم را مطرح کرد و آنرا به عنوان عاملی برای فشار و انشا گری استفاده کرد، اما حرکات حاکمیت و اعمال فساد دموکراتیک و ارتجاعی سردمداران آنها از همان ابتدا، توده‌ها را آگاه می‌کند که ما هیت آنها واقف ساختیم، و با آنها نسبتاً بی‌بندگانی، شکالاتی که بر سر انتخابات شما بی‌بندگانی واقع مردمی با دیگرند، مسئله دوم مرحله‌ای کردن انتخابات با ابطال حوزه‌ها و انتخاباتی کردستان و حذف چند شما بندها انتخابات شده نظیر مسجد سلیمان و بیستویق ابتدا سخن انتخابات چند شهز - ستان که در آن امکان پیروزی حزب وجود ندارد، اولین عوام ملی بودند که سندیت مجلس را پیش روی توده‌ها زیر علامت سؤال برد، مرحله بعدی عملکرد این مجلس بود ساختن رژیم ما هیت فدا خلقی آنرا آشکار ساخت. مردم از خود سؤال می‌کنند: آنها از این مجلس چه منتظرند؟ و اگر نه؟ کدام لایحه‌ای که در خدمت توده‌ها باشد تصویب رسیده است؟ اما توده‌ها بر عکس دیده‌اند که این مجلس ابزار ریاست که تمام اقدامات ضد مردمی دولت و دستگاها می‌سرکوب آن را تصدیق کرده و بر آن مهرتای شید کوبیده است. مردم دیده‌اند که چگونه سازش با امپریالیسم آمریکا بر سرگروگانها و جاسوس توسط شعبده‌بازی این مجلس مسورت گرفت، مردم دیده‌اند که چگونه این عناصری که بنا نهادند بی‌بندگانی ملت بر کرسیها - مجلس سنا و شاهنشاهی تکیه زده‌اند و مانند عروسکهای عیبه‌ش با زیت دست حزب بوده‌اند، آنچه را که این حزب خواسته است نظیر دادن را عدم صلاحیت بر ریاست جمهوری (صرف نظر از اینکه ز دیدگاه - توده‌ها صلاحیت داشته‌اند) انجام داده‌اند، مردم دیده‌اند که چگونه پس با صلاحیت بی‌بندگانی مطرح بر لایحه‌ای را که برای سرکوب کارگران و زندگانشان و نیروهای انقلابی تنظیم شده در اسرع وقت تصویب کرده‌اند، پس این مجلس که

توده‌ها با امید بسته بودند نه تنها کوچکترین قدمی برای آنها بر نداشت بلکه تمام عملکردها در خلاف منافع آنها بوده است، از اینروست که توده‌ها برای تکمیل نمایندگانی این مجلس کمترین علاقه‌ای ندارند.

بر این اساس است که ما معتقدیم - تحریم انتخابات چنین مجلسی حرکت از خواست توده‌هاست، این مهم نیست که حتی عده‌ای از مردم از روی ترس و بیاطمینان حتی بصورت ظاهری در شرکت کنند تا مهری در شنا سنا مه آنها بخورد، نظیر آنچه در دوران آریا مهری به مردم تحمیل شد و نام نویسی اجباری در حزب رستا خیز شده هیچوجه به منزله اعتقاد مردم به رژیم شاه و حزب رسوا خیزش نبود، آنچه مهم است بر خوردی است که توده‌ها به نهادها و حاکمیت دارند و پیشرو انقلابی با توجه به این ذهنیات است که با بدتاکتیکهای خود را انتخابات کند، وقتی توده‌ها با این نهادها باور ندارند و آنها را ابزارهای تحمیلی و سرکوبی در خدمت نیروهای ضد مردمی دانسته‌اند آنها را طرد می‌کنند و می‌خواهند شیوه‌های انقلابی مساثلشان را حل کنند و در اینصورت پیشرو انقلابی دیگر حتی به عنوان تریبون (که در این شرایط تریبونی هم وجود ندارد) نمیتوانند از آن استفاده کنند، از اینرو اگر تا کنون شرکت در انتخابات در یکسال و اندکی پیش از کنونی درستی بود (که بود) و به افشاء حاکمیت کمک می‌کرد و ما هیت آنها نزد توده‌ها آشکار میساخت با امروز که ما هیت این نهادها توده‌ها آشکارا گردیده‌اند و از طرف دیگر مردم می‌بینند که آنها حتی نمیتوانند مانند دیبا و واقعی خود را از آن نه معرفی کنند چه رسد با اینکه در فعالیت انتخاباتی شرکت کنند در چنین شرایطی شرکت در انتخابات انتظار توده‌ها تا کنون عقب مانده و مردود است - بنا بر این تحریم فعال انتخابات مجلس و تشویق مردم به عدم شرکت در آن از اهم وظایف نیروهای انقلابی است.

اما اینکه نحوه تحریم از جانب توده‌ها چگونه خواهد بود، اینکه بصورت عدم شرکت در انتخابات و دادن رای باشد که مثبت ترین و فعالترین شکل تحریم است، چیزی که در تبریز و آذربایجان و... در انتخابات چند هفته پیش انجام گرفت و توده‌ها تحریم فعال کردند، و با اینکه عده‌ای تحت فشار حاکمیت مجبور به شرکت در انتخابات شوند ولی این شیوه بسیار نادرند (که نتیجه آن خوردن مهر سرد شنا سنا مه باشد) ما هیت تحریم را تغییر نمی‌دهد، مسئله مهمی اعتقاد دویسی اعتقاد دوی توده‌ها به نهادها و جمهوری اسلامی است که در بررسی حالات و روحیه آنها را توده‌ها عیان میگردند، اما مسئله تحریم در خود مسئله جاگزینی نهادها و انقلابی مطرح میکنند، هنگامی که مسئله بی اعتباری نهادها و نگرانی و اجرائی در اذهان توده‌ها مطرح شده است، در چنین حالتی آنچه برای توده‌ها مطرح است ذهنیات بی اعتباری در کارگزاران و نگرانی

بقیه در صفحه ۱۶

## تحریم انتخابات ادامه انقلاب



### پاسخ به سئوالات

## مجلس موسسان چیست؟

بقیه از صفحه ۱۴

آن (مجلس مؤسسان) تنها افزایش تعداد و تقویت شورا های نمایندگان کارگران سرپا زان و دهقانان و غیره سازمان - باسی و تسلیح توده های کارگر می باشد. این تنها فاضل پیروزی است. (النین) اجزای سیاسی در روسیه و وطن خلق بولتاریا) مششویکها و سوسیالیست های انقلابی پس از انقلاب فوریه و سرنگونی تزار با نقطه نظر فوق مخالفت ورزیدند آنها واعتماد دخرده بورژوازی ما با نه میبودند تنها به اعلام جداگانه و تشنه ای تمسار مجلس مؤسسان بستند میکنند آنها سنا ر بیروزی شوراها و تسلیح توده ها را بهماره میجلس مؤسسان رده میکنند. در حقیقت مسئله اصلی در فراخوانی مجلس مؤسسان جنبه حقوقی امر است. در حالی که مششویکها از زاویه مبارزه طبقاتی با این امر برخورد میکنند آنها معتقدند که تنها با پیروزی شوراهاست که موفقیت مجلس مؤسسان تضمین میشود چرا که فراخوانی مجلس مؤسسان به سرپیش رونده مبارزه طبقاتی بستگی دارد. سر همین باید اعلام میکنند که بدون یک انقلاب دیگر در روسیه بدون سرنگونی قدرت بورژوازی مدانقلابی (کادتها در وهله اول) بدون طرد اعتمادیه اجزای سوسیالیست انقلابی و مششویک تاسیس نمی شود و با مجلس مؤسسان بنا بر انگورت ۱۸۲۸ (النین) - تره مسات برخورد خواهدی - جلد ۲۵ -

خلق انقلابی ایران با این مسئله

از نزدیک آشناسن. باید داداریم کسسه چگوندر رژیم جمهوری اسلامی مجلس خیرگان را بنام مجلس مؤسسان جاز دودیدیم که این مجلس خیرگان یک حقه ارتجاعی بنام قانون اساسی را بخورد شده های مردم و کارگران و زحمتکشان ما داد. - قضیه بسیار روشن است. از این مجلس که نه به شورا های انقلابی و نه به خلق آزاد و مسلم و نه به شیوندموکراتیک انتخاباتی بلکه به نظم دستاوردهای قیام ۲۲ بهمن منکر بود. جز این انتظار نمی رفت. بقول معروف از کوزه همان شورا و دگسه دراوست.

حال ببینیم که شرایط انحلال مجلس مؤسسان چیست؟  
همانطور که گفتیم این مجلس تابع و محمول سرعینی مبارزه طبقاتی است. ببولتاریا این مجلس را فرا میخوانند تا گذار به نظام شورائی را امیر و مسجسل گردانند. مجلس مؤسسان علی رغم آنکه عالی ترین شکل دموکراتیک بورژوازی است نسبت به جمهوری شورائی که شکل عالی تری از دموکراتیک است را منطقی میبازد. یک گام به پیش تلقی میشود. به همین دلیل در جمهوری شورائی وجود مجلس مؤسسان شمری ندارد و اقدام به سپردن قدرت به دست آن عملی ارتجاعی و ضد انقلابی است.

با این همه بسته به تناسب قوای - طبقاتی، ببولتاریا علیرغم اینکه قدرت را در دست داشته باشد، نمیتوانند مجلس مؤسسان را فراخوانند. برای روشن شدن مسئله به یک نمونه تاریخی دیسگر رجوع کنیم:  
پس از انقلاب اکتبر، حزب کمونیست به فراخوانی مجلس مؤسسان تا کبند داشت. خواستار زحمتکشان این بود که مجلس مؤسسانی تا سس شود و از دستاورد های انقلاب اکتبر دفاع نماید. پس قدرت شوراها، فرمان زمین، فرمان طرح، کنترل کارگری... را بر سمیت شناختند. حزب کمونیست بر بنیاد این خواست مجلس مؤسسان را فراخواند. در این مجلس مششویکها و سوسیالیست های

انقلابی راست اکثریت داشتند. از این رو خواست فوق الذکر را مردود شمرده شد. آنها در شرایطی که همه قدرت در دست شوراها بود شمار همه قدرت به دست مجلس مؤسسان را طرح کردند و بدینوسیله میخواهند انقلاب را یک گام به عقب کشانند و ورشکسته اش نمایند. شرایطی که ملامت مناقض جامع انقلابی شوروی را دربر گرفت. از یک طرف مجلس مؤسسان وجود داشت که ضد انقلاب در آن اکثریت بود. از سوی دیگر شوراها شی در قدرت بودند که مششویکها و سوسیالیست های انقلابی چپ در آن اکثریت داشتند. لنین با ارزیابی که از نیروهای طبقاتی بعمل آورد اعلام نمود که ترکیب کنونی مجلس محمول تناسب نیروهای طبقاتی بین از انقلاب اکتبر است و پس از آن تناسب نیروها بطور کامل ویدی بود ببولتاریا و دهقانان فقیر است. بعلاوه بورژوازی و مششویکها و سوسیالیست های انقلابی - راست، خارج از مجلس در تدارک یک جنگ داخلی اند و مبارزه علیه انقلاب است. سوسیالیستی اکتبر را رهبری میکنند. مجلس مؤسسان صرفاً "یونسی است برای اقدامات ضد انقلابی آنها. همچنین به این اعتبار که علی الاصول تا بودن مقابله و مبارزه بورژوازی و ساختمان سوسیالیسم توسط نهاد های طبقاتی (شوراها) و به مؤسسات عمومی (مجلس مؤسسان) عملی نمیشود، لنین مجلس مؤسسان را در تقابل با دموکراسی سوسیالیستی جامع شوروی تلقی نمسود. لذا انحلال آنرا به کمیته مرکزی حزب کمونیست پیشنهاد نمود و این یک نیز فرمان به انحلال آن داد.

## کارگران با اتحاد و همبستگی خود رژیم را به عقب نشینی وادار کنید

کارگران! زحمتکشان ایران! در روزهای اخیر صدها تن از کارگران مبارزان انقلابی کارخانه های جنرال - موتور، جنرال تانیر، زامباد، پارچین و ده ها کارخانه دیگر توسط پاسداران - مزدور سرمایه با زداشت و سرزدان افتاده اند. رژیم جمهوری اسلامی موج وسیع اخراج و با زداشت کارگران را به پهنه های مختلف آغاز نموده است. اخراج و با زداشت کارگران در همان حال کسه ماهست فدکارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. سر و وقت رژیم را از مبارزات توده ها و طبقه کارگر ایران این استوارترین و بیگیرترین طبقه انقلابی تاریخ نشان میدهد.  
کارگران ازحمتکشان ایران! اخراج و با زداشت دستجمعی کارگران مقدمه ای است برای سرکوب سراسری جنبش خلق و برقراری یک دیکتاتوریت غنائ گیسخته و آنگان، در سراسر مروج اخراج - ها و با زداشت کارگران به مبارزه - بر خیزید و از برادران کارگر خود دفاع کنید.  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۲۵ شهریور ماه ۱۳۶۰

# باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

## توده ها در انتخابات

بقیه از صفحه ۱۵  
تاریخی است که کارگران واقعی کسب توده ها با شد. اگر کسی که نقش تاسیس کننده و ایجاد کننده داشته و متکی بر قدرت شورا های مسلح کارگران، دهقانان، زحمتکشان، سرپا زان و در دهقانان و افسران جز و نیروهای وسیع طبق باشد، چنین ارکانی تنها میتواند یک مجلس مؤسسان دموکراتیک یا انقلابی باشد. مجلسی که با آنچه تاکنون - چه در زمان شاه و چه در طول عمر جمهوری اسلامی - وجود داشته تفاوت اساسی دارد. مجلس مؤسسانی که با مجلس خیرگان کسه سنا از ده نفر جنبه تشکیل شده بود و نمایندگان کارگران، دهقانان و زحمتکشان را بر اقتدار خلق در آنجا شی ندا شنیدند، تفاوت اساسی دارد. مجلس مؤسسانی که با مجلس شورائی اسلامی هم ربط شکل و هم ارجهت محتوا تفاوت اساسی خواهد داشت چنین مجلسی که تنها با نیرو و آنگاه به قدرت توده ها یا انقلابی تشکیل خواهد شد تا در خواهد بود خواهی توده ها را تحقق بخشد. استقلال، واقعی از اعتماد سیاست

و فرهنگ امیریا لیسیم چه تیرا یا به ریزی کرده، کار روزنگی مناسبت را برای تمام شهر وندان بخصوص زحمتکشان تا مین کرده و بر بنا به های انقلابی و اساسی را برای ایجاد یکین و سرپا هی مناسبت برای میلیونها خاتوا را برانی به پیش برده و با اخراج - آزادی های اساسی مردم ایران، آزادی تشکیل اجزای و گروهها و انجمنها و شوراها را تضمین کرده، آزادی طبوعات و - انتشارات را برای نیروهای خلق برقرار کرده و آزادی بهر مندی ز حقوق مساوی - برای زنان، تا مین و تضمین حقوق خلقهای تحت ستم ایران و اقلیتهای مذهبی را برقرار کند، تنها و تنها مجلس مؤسسانی که بر قدرت شورا های انقلابی در ده ها متکی است میتواند این چنین خواستهای را تا مین کند. مجلس خیرگان، نه مجلس شورائی اسلامی و نه ریاست جمهوری، نه دولت از این جهت است که مردم ایران بی اعتمادی خود را به نهاد های ارائه شده از جانب فاکمیت یا تحریم و عدم شرکت فعال در - انتخابات مجلس شورا و ریاست جمهوری نشان داده و اعتماد خود را به ادا نهاد انقلابی با نینبیا تیرا ز مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی بطور خواهند رسانند.









### اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان جهت پیشبرد وظایف انقلابی درقبال کارگران و زحمتکشان و پاساژگویی به خواستهای مبرم جنبش پیش ازین نیا زمبرم به کمکهای مالی شما درازهر طریق که می توانید کمکهای مالی خود را همراه با کد مربوطه به دست سازمان برسانید. امور مالی سازمان

الف	س	۷۱۹	۲۱۵۵
۷۱۲۳	۱۵۱۸	۲۰۳۰۰	۱۳۳۹
۲۳۵۸	۵۲۲	۱۱۳۶	۱۱۲۲
۲۰۰۲	۵۵۴	۲۳۱۰	۱۶۱۳
۲۳۱۳	۶۳۰۰	۱۵۲۲۲	۲۳۱۷
۱۲۲۳	۱۳۳۳	۵۰۰	۵۰۰
۲۰۱۰	۵۹۹۹	۵۱۱۸	۷۲۰۰
۶۱۱	۳۷۱۵	۵۵۰۰	۱۸۱۹
۲۷۵۱	۷۱۷۵	۳۵۰	۳
۲۵۰۱	۲۰۶۰	۱۲۲	۶۶۱۱
۵۲۲۲	ش	۱۴۲	۱۴۲
ت	۱۰۶۲۲	۵۶۳۰	ه
۲۱۱۱	۱۲۷۷	۲۵۳۰۲	۵۰۴
۶۴۴۴	۱۰۲۱	۱۰۱۰۰	۲۰۵۴
ب	۱۹۹۹	۲۳۳۶	۲۳۳۶
۱۲۲۰۰	ص	۱۲۰۰	۱۲۰۰
۱۰۵۰۰	ن	۲۱۵	۲۱۵
۱۰۰۰	۲۰۱۱۷	۵۳۳۳	۵۰۴۷
۱۷۷۷	۲۰۱۱۷	۵۳۳۳	۵۰۴۷
۱۲۲۲	۹۱۳۳	۱۰۲۶	ی
۱۰۲۲۲	ش	۲۲۳	۲۲۳
۹۹۹	۲۰۲۶	۷	۷
پ	ط	رفیق شاپور (۵۰)	رفیق محمدنامه
۱۰۳۹۱	۲۰۰۰	بهمراه ۵۰۰ ریال	کنک مالی رسید
۴۴۲	۳۹۹۵	رفیق کلاود	تازه + ۲۰۰ ریال
۵۹۹۹	۵۱۰	بلیط اتوبوس	رسید
۱۰۵۲۲	ع	رفقای جویبار	کوپین
ت	۵۵۱	س - ۱۱۵ (کوپین)	رفیق امیر
۲۰۸۹	۶۶۰۷	رفقای همسان	لنا
ج	۲۱۱۱	الف	۲۱۰
۱۰۱۲	۱۳۲۱	ح	۹۰۰
۴۰۰۵	۳۲۴۷	ف	۱۱۰۰
۳۲۵۵	۵۱۵	د	۲۰۷۸۹
۵۰۰۵	ف	ع	۲۲۲۲
۲۷۵۰	۲۱۵۶	ه	۲۰۱۰
خ	۲۱۵۶	ر	۲۲۵۷
۵۰۲۱	۱۲۱۱	ر	۳۳۳۳
۶۰۱	۲۱۱۱	ر	۳۳۳۳
۲۰۲۱۷	۲۲۳۲	ر	۳۳۳۳
۲۲۵۰	۲۲۳۲	ر	۳۳۳۳
۱۵۲۰	۲۲۳۲	ر	۳۳۳۳
۷۱۲	۲۲۳۲	ر	۳۳۳۳
ز	ک	لنا	۵۰۳۳
۲۷۰۰	۱۲۰۰	ر	۳۳۳۳
۲۳۳۳	۲۱۱۱	ح	۲۲۲
۳۱۲۳	۵۱۱۴	ل	۸۸۸
۵۲۲	۲۲۳۲	م	۲۲۳۲
۲۲۰۰	۲۲۳۲	ن	۲۲۳۲
۱۵۰۰	۲۲۳۲	ز	۲۲۳۲
۵۵۵۵	۱۴۱۸	ح	۲۲۳۲
۱۰۱۷۱	۱۱۷۷۹	د	۲۲۳۲
۱۵۱۰۰	۱۱۷۷۹	ز	۲۲۳۲
م	۵۳۸۱	ح	۲۲۳۲
۵۳۸۱	۲۲۸۱	د	۲۲۳۲
۸۵۲	۱۱۳۲	ز	۲۲۳۲
۲۳۲۲	۵۵۰۳	ح	۲۲۳۲
۵۴۰۸	۲۱۲۵	د	۲۲۳۲
۵۵۰۰	۲۱۲۵	ز	۲۲۳۲
۱۲۲۲	۳۲۲۱	ح	۲۲۳۲
۵۴۰۰	۱۰۲۴۰	د	۲۲۳۲
۲۲۲۲	۵۱۶۰	ز	۲۲۳۲
۱۰۷۱۹	۱۰۷۱۹	ح	۲۲۳۲

ن	۵۱۲۱
الف	۵۱۱۱
ع	۲۶۰۰
ح	۱۵۱۲
رفیق سرباز	۱۰۰۰۰
رفیق سرباز	۴۰۰۰
ب	۳۲۶۹
ش	۲۱۱۱
ش	۲۶۱۲
ش	۱۱۱۲
ش	۱۱۱۲
ش	۱۵۱۵
ش	۶۱۶
ش	۱۱۱۷
ش	۶۱۸
ب	۵۰۱۱۱
بدون کد	۲۰۰۰
ریال	۶۱۰
م	۲۱۱
ج	۶۱۲
کوپین بنزین	۳۴۰۰
پیشگام سیاهکل	۳۴۰۰
هوادران سینا	۳۴۰۰
پیشگام ۱۲۰۰	۳۴۰۰
راننده تاکسی	۱۰۰۰
حسن صالحی	۱۰۰۰
کنک مالی	۱۰۰۰
خبرنامه	۲۲۳
معلم گوهردشت	۴۰۰۰
کاگر بیکسار	۴۰۰۰
حد	۱۰۰۰
پویان	۳۰۰۰
جنگ زنده	۱۰۰۰
دیپلمه بیکسار	۱۰۰۰
رفقای سرباز	۱۰۰۰
آماده گاه	۱۰۰۰
سعید سلطانپور	۱۰۰۰
م	۵۰۰۰
ع	۲۰۰۰
ف	۴۰۰۰
ش	۵۰۰
س	۴۰۰۰
ع	۱۰۰۰
ح	۲۰۰۰
ب	۱۰۰۰
رفقای گرگان	۱۵۰۰۰
رفیق روزبه	۵۶۶۶
رفیق سوسین	۵۰۰۰
رفقای پادگان	۱۰۰۰
رفقای کرمانشاه	۶۱۶
رفقای مازندران	۱۱۱۵
رفقای مازران - مازنار	۱۲۲۲
رفیق سوسین	۲۱۲۲
رفقای پادگان	۳۰۵۰
رفقای کرمانشاه	۱۳۲۰۲
وریا	۱۰۰۰
پ	۶۲۰
ق	۲۱۱۱
ع	۱۵۰۰
م	۲۰۰
الف	۷۲۲
ی	۱۱۱۲
ی	۱۱۱۲

رفقای اسلام	۵۰۰
آباد (کوپین)	۲۵۳۶
رفیق سرباز	۵۰۰
ب	۶۲۰
م	۲۵۱۷
الف	۲۰۰۸۶
الف	۱۰۱۰
الف	۷۰۰
رفقای شیراز	۲۴۴۶
م	۵۰۰۱
ن	۶۰۱
رفقای صیمره	۲۴۴۴
ک	۱۳۳۳
گ	۲۲۲۲
الف	۱۶۰۰
ز	۱۶۱۱
و	۲۷۷۷
ل	۳۱۰۰
س	۲۱۰۰
ص	۱۶۰۱
ه	۱۶۰۲
ی	۲۵۵۱
ج	۲۵۵۲
الف	۱۵۵۳
م	۲۸۸۸
ن	۵۵۰۰
ق	۳۱۲۳
ش	۵۱۱۱
م	۱۱۷۰
ب	۱۱۰۰
ر	۲۰۳۳۳
بهمراه کوپین	۵۰۰
منوچهر	۲۱۴۰
ن	۸۴۲
ب	۸۷۸
م	۲۱۵۹
ز	۱۱۱۱
رفقای مبارکه	۲۱۱۲
ب	۲۰۰
ش	۲۱۱
م	۲۲۲۲
ح	۲۱۰۲
ش	۲۱۰۱
س	۵۱۰۳
ف	۵۱۰۴
ف	۴۵۵۵
رفقای مازندران	۲۲۳۱
رفقای مازران - مازنار	۱۴۱۹
ع	۱۱۶۹
م	۲۲۴۱
س	۱۰۶۶
ن	۱۱۱۰
م	۶۰۰
ع	۵۲۷
الف	۶۰۰
ج	۱۱۱۱
رفقای خراسان	۲۴۵۲
م	۱۰۱۲۴
ن	۱۲۵۰۰
رفقای خوزستان	۱۱۲۹
م	۱۰۰۱
رفقای کرچ	۷۶۰
م	۱۱۱۲

### خشونت و ضرب و شتم نسبت به خانواده های زندانیان سیاسی

چندی پیش خبری داشتیم مبنی بر حمله به خانواده های زندانیانی که برای اطلاع زوجه فرزندان خود به جلوزندان اوین رفته بودند. با ساداران سرما به که در آن حمله چند نفر را زخمی کردند و با وجود خشم و نفرت مردم، با زهم به افرادی که برای خبر گرفتن از وضع فرزندان زندانی خود به جلوزندان شاه خسته اوین رفته بودند حمله کردند. روز شنبه سیزدهم تیرماه افرادی که جلوزندان جمع کرده بودند حمله کردند که اتوبوسی که آرم یک کارخانه را برپهلوداشت و پیراز مردان و زنان کارگر بود جلوزندان ایستاد. یک نفر پرسید شما زندانی هستید، گفتند بلیه، اما با ساداران نکند بیشتر صحبت کنند، و یکی از ساداران گفت اینها از شنیدن خبر مرگ بهشتی خوشحال شده اند و دست زده اند... و آنها را داخل زندان بردند. چند دقیقه بعد یک اتوبوس شرکت واحد نیز که پیراز جوانان دستگیر شده بود وارد زندان شد. با ساداران مردم خواستند متفرق شوند، ساعت ده و نیم با شیلنگ آب بروی آنها پاشیدند و با کلت و تفنگ بمباران مردم دویدند و یک پادار قنداق تفنگ را محکم به کمر پیرمرد ۶۰ - ۷۰ ساله ای کوپین، پیرمرد عصبانی بود و با خشم و نفرت فریاد می زد "من خودم از دیوار رفتیم با لودر این زندان را با زکرم، حالا شما ها بچه ام را میخواهید توشنگ بگذارید... با ساداران به وحشیگری های خود ادامه می دادند، یک زن را طوری به وسط خیابان پرت کردند که نزدیک بود زیریک وانت برود. با ساداران سرما به آروز تو استند مردم را با عرب و شتم تهدید و آرم متفرق کنند ما این حرکت خشم و کینه و نفرت توهن های که یکبار با دست خود در زندان ها روی فرزندان مبارزان کشودند. می افزاید و با من مبارزان را عذاب و گسترش بیشتری می بخشد.

ابن سینا	۱۷۲۲
ج	۲۹۰
ح	۷۲۲
رفقای پلدختر	۳۳۳۳
ت	۱۱۱۱
ح	۱۹۹۹
م	۱۱۱۱
ج	۲۰۳۶
ش	۵۱۱۱
ح	۱۷۹۸
ن	پیشگام تنگ فنی
۱۵۰۰	رفیق فرزانه
۵۰۰	رفقای شاهوند
۳۷۱۲	ن
۱۵۰۰	د
رفقای خرم آباد	۱۱۱۱
ف	پیشگام متحدین
۵۲۲۲	پیشگام هنرستان
۱۰۰۰	کوپین
۱۲۲۲	
۵۰۰	
رفقای هوادران سازمان	
در استکلم بنا به متاسا	
رسید، در پیشبرد	
فعالیت های انقلابی و	
افشاگران خود موفق	
باشید.	



### ۳۰ هزار تومان و یک پامپا از زنده در مقابل جسد بیجان یک شهید خلق!

در تاریخ ۱۳۴۰/۴/۵ هشت نفر از افرادی که به آنها می‌تواند به شش ماه پیش در مهلای دستگیر شده بودند و در زندان رژیم برمی گردانند. در آرمیه به جوخه اعدام سپرده شدند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وقت است از زنده‌های زندان را از خود گذرانده است زیرا بعد از اعدام این افراد که شش ماه پیش در زندان بودند در ایوهای رژیم اعلام می‌کنند که نفریستیم و بجرم شرکت در وقایع اخیر اعدام گردیده‌اند اگر مردم از دستگیری رفیق فدائی سعید سلطانی توسط نیروهای انقلابی و وسایل خبری جهان آگاهانه نگشته بودند رژیم جنایتکار رفیق شهید را شرکت در وقایع اخیر اعلام می‌کرد به صورت موضعی که ما نخواهیم داشت نفریستیم در آرمیه برای تحویل گرفتن اجساد شهید را جمع می‌کنند و در زندان از تحویل اجساد شهید خودداری کرده و اظهار می‌دارند که با نیت هر چند از ۳۰ هزار تومان و یک پامپا زنده‌ها را به تحویل بدهند، کسب نخواهد شد. با نیت اهدای این وضع می‌گویند ما نسی هزار تومان داریم و نسی حاضریم یک پامپا را جنایتکاران با یک جسد عویس کنیم. بدون اینکه اجساد شهید را تحویل بگیرند برای انسان مجلس یا دیوانی گیرند که با استقبال شدید مردم مواجه می‌شود.

با هر مقدم یکی از فرماندهان سپاه پاسداران بعد از کشته شدن خالد برای کشته بود که خالد را با بیست نفر از مردم بخاک خواهد سپرد یعنی به انتقام خون جاش کشتیف بیست نفر از مردم را قربانی خواهد کرد. لذا در این روز منحنه ما ختگی تشییع جنازه را تدارک می‌بینند و همزمان بروی مردم و مناطق دیگر لشکر تیراندازی میکنند که در این شوطه جنایتکاران را نفرا زکا رساندن آنها به شهیدوسی نفرزخی می‌گردند و عده زیادی دستگیری می‌شوند. با نسی گوهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بلافاصله بعد از این جریان به صد آ گوهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بسوی مردم بیدفاع می‌بندند. تشییع گشوده‌اند و فرماندار را زخمی کرده و چندین پاسدار را کشته‌اند در حالی که جنازه خالد برای یک روز قبیل در تنه‌ای نزدیک پادگان دهن شده بود و مشخص شد کسب اجساد این برنا هر بیزی‌ها برای کشتار مردم و انقلابیون و سبب دادن آن به خود انقلابیون برای توده‌های وطنمان مسئله‌تاریخی نیست رژیم شاه نیز در آخرین روزهای حکومت تشییع به این قبیل حرکات برای نجات خود دست می‌زند ما زید ما ننداده سینما رکی آبادان کشتار ۱۷ شهید و ۱۷ تن زدن مسجد کرمان مردم ما با نسی خود را طبر صحنه بوده‌اند که نکتان به ما هیبت این جنایت واقف هستند و بدون این قتل و عام مردم قهرمان ما با نسی به نشتنا اعتراض به روز تعطیل و عزای عمومی اعلام کردند.

## پیام پیشمرگان سازمان از کردستان خونین بنام است شهادت رفیق سعید سلطانی

صوف رزمندگان انقلابی را مستحکمتر خواهد نمود. او اوج نویسی در انقلاب پیشرونده توده‌ها بوجود خواهد آورد. خلق قهرمان کرد و پیشمرگان شش خشم و تاشی ناشی از شهادت ثورا به نیروی بر قدرتی برای تحکیم صوف خویش و گسترش مبارزه برای نابودی امپریالیسم و جلادان خلق مبدل خواهند گشت. پیشمرگان هم رزم در کردستان فداکار و در راه آرمانهای والا انسانی ثورا خواهند جنگید و به راهتالدا خواهند داد. نه شهادت خونین شهادت هزاران فدائی تا در پیونده و ثورا خواهد بود در عزم را سخا برای آزادی و استقلال و مواستشما روحا صه طبقاتی و برپائی سوسیالیسم خلقی وارد آورد ما در پیشگاه خلق قهرمان کرد و سوا بر خلقهای وطنمان پیمان می‌بندیم تا آخرین قطره خون در راه آرمان کارگران و زحمتکشان به مبارزه خویش ادامه خواهیم داد.

پیشمرگان انتقام خونین شهیدان خلق را خواهند گرفت.

درود بر تمام شهدای بیخون خفته خلق مرگ بر دژ خیمان و جلادان خلق پیروز و با دمیا زرات اوج گیرنده توده‌های وطنمان

ما بر دما د امپریالیسم چها شهید کردگی امپریالیسم آمریکا و با یکا هدا غلبش ۱۳۴۰/۴/۵ پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سعید گلرله سرخ خلقی . . . .

ما مرگت را با اورنگوا هم کردیم چون مرگ شرف و انسانیت با اورنگ نیست ما مرگت را با اورنگوا هم کردیم چون مرگ آزادی با اورنگ نیست. تو برایمان همیشه زنده‌ای و غوغت در درگاهها بمان جاری . . . اگر با نسی بر زنده‌گی و مبارزه خلقها منصور با نسی اگر با نسی بر شرف و ایثار و فداکاری منصور با نسی تو نیست پذیرفتنی خواهد بود مرگ تو!

ما از کردستان معزوح و خونین از کردستان قهرمان درودهای آتشین خویش را با تو می‌کنیم شعر تو ماچ نشو، شعر جان تو امروز در سر کردستان طبعین با نسی است. همه از تو حرف می‌زنند از کردگان رستان گشته تا سر مردان و پیران خانه نشین زن روستا نسی چنان با نسی از شهادت حرف می‌زنند تو گویی با لیا در کنار هم زندگی کرده‌اید از مرگ شهید کردستان روزی جدین شعر و نسی به یاد تو سروده میشود و در خیابانها و کوچه‌ها و روستاها تا ثورا بر زبان می‌راند. دژ خیمان رژیم خواستند با اعدام ثورا و نسی با نسی شکست را نسی جشن اوج گیرنده توده‌ها حاکم بارند. زهی خیال باطل که شهادت را غماز نویسی برای توده‌هاست. خون توست خفته‌ها را سدا رخواه کرد به سازنگاریها و خیانتکارها قلم بطلان خواهد کشید و

### فاجعه سینما رکیس آبادان در مهلای تکرار شد

۱۳۴۰/۴/۲ - سه شنبه در این روز پیشمرگان جنش مقامت می‌افتد و سوا نارنجک آبادان زکاتینتگرف مورد حملات قرار می‌گیرند. ثورا بن درگیری جاش معروف ما با نسی داخله برای ۲ نفر دیگر کشته می‌شوند و جاش دیگر زخمی می‌گردند. پاسداران ما نند همیشه بسوی مردم بیدفاع ثورا تدارکی کرده و باعث شهادت وزخمی شدن چند نفری می‌گردند. لازم به تذکر است که ما شین پاسداران به وسیله مردم آتش زده میشود و جاساز خالد برای مردم با سنگ و آجر لسه می‌کنند.

بدنیال این واقعه جنایتکاران و جلادان رژیم جمهوری اسلامی کشته خائثانه‌ای را برای انتقام کشی و کشتار مردم برنا هر بیزی می‌کنند و در تاریخ ۱۳۴۰/۴/۲ سینما پاسداران ما با نسی برای با ملاح خاک سپاری جسد جاش معروف ما با نسی (خالد برای) که تا کتون ده‌ها نفر از جوانان انقلابی ما با نسی شنا شادی کرده و به جلو جوه‌های تشر فرستاده و با همز در زندانها بسمیر می‌سوزند) برای تدارک می‌بیند و تمام کارسدا را دارا ت را شهید می‌کنند که در صورت عدم شرکت در مراسم با ملاح

تشییع جنازه مجازات و اخراج می‌گردند و در این رابطه به تمام روسای ادارات دستور می‌دهند که اگر کسی غیبت کند به ما گزارش کنند تا به مجازات برسانیم ساعت ۱۲/۳۰ بود که جاش و پاسداران با سبانه و کارسدا را دارا ت در خیابان به حرکت درمی‌آیند با سدا را و جاشها با داد ن شاره‌های بر علیه نیروهای انقلابی می‌خواستند و جلادان را شنا شادی کنند و لی اکثر مردم با در خانه‌ها پشان بودند و با نسی به آنها نگاه می‌کردند و کارسدا را نیز که به زور آورده شده بودند از ترسشان گاه‌گاه زیر پشان شاره‌ها را تکرار می‌کردند در نزدیکی جاش را آزادی‌گی از جاشها طبق نقشه پیش ما نند همیشه تیراندازی هوا ش می‌سوزاند و پاسداران و دیگر جاشها به نسی بیدنیال تیراندازی تماشاچی‌ها و کارسدا را شرکت کنند و راه رکی را می‌بینند در همین زمان تمام قرارگاههای درین شهر و نسیه‌های مشرف به شهر که در دست نیروهای سرکوبگار است بسوی کال لیر پنجاه و خمیاره شهر را زیر آتش می‌گیرند و حتی به معالنی که پیش از یک کیلومتر از محل وقوع حادثه دور بود تیراندازی می‌کنند که در این رابطه مدرسه ویران می‌گردد و عده زیادی دانش آموز زخمی می‌شوند در این هنگام تا جوشی که در دست پاسداران و جاشها بود می‌بندند و جاشها را برای در آن با نسیه زمین می‌افتد و مردم با حیرت تمام متوجه میشوند که درون تا جوت از جسد خیری نیست فقط چندتا پالش در آن جا داده‌اند نقشه به این ترتیب بود که

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



# خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

انتشار اخبار را عدا مها، در کردستان قهومان نفرت و ازجا مردم را برانگیخته است. اخبار مبارزات مردم ایران و عدا مها توسط سازمان در کردستان بخش میشود و مورد توجه عمیق مردم است. پس از انتشار خبر اعدام رفیق شهید سعید سلطانپور شا عرابلانی، یوسنده، همر بند و فدائی خلق مردم کردستان که با اشعارا و بویزه اشعاریکه مربوط به کردستان میباشد، آشنا می باشند متاثر شدند در این رابطه رادیو حزب دمکرات کردستان ایران، در برنا مه را دیویشی خود ضمن تشریح سوابق مبارزاتی سعید سلطانپور خاطر ها و را گرمای داشته و اعلام میدارد که پیشمرگان کردستان خود این شهدا را خواهند گرفت. در این رابطه تاکنون دفتر سر شیخ عزالدین حسینی - جمعیت مستقل مصلحان مبارز کردستان ایران هوا داران جناح چپ - اکثریت در کردستان اعدام این انقلابی انا مدار و سایر انقلابیون را محکوم نموده اند. همچنین از کردستان در باره رفیق شهید سعید اشعارا زبانی منجملسه از "ریبور" شا معروف کرد در باره گفت کرده ایم که بعلت کمبود جا از چاپ آن معذوریم. همچنین لازم است توضیح دهیم که در رابطه با دستگیری رفیق سعید سلطانپور اعلامیه های بسیاری از داخل و خارج در باره گرفته بودیم که بعلت مواجعه شدن با اعدام این رفیق انقلابی دیگر چاپ نام این نیروها موردی نداشت.



فشار و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بر تمام خلقهای ایران روز بروز گسترش می یابد. خلق کرد که از ابتدا زیر فشار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار داشت اکنون با اتکاء به قدرت خود و نیروهای مسلح مردمی به مقاومت قهرمانانه اش ادامه میدهد.

پیشمرگان فدائی مقربا ساداران و جاشهار از یو آتش خود گرفتند. شب شنبه ۶۰/۴/۱۲ پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمدت چهار ساعت قسمتهاشی از شهر سقرو منا طاق طرف مقربا ساداران و جاشهارا به محاصره خود در آوردند. مزدوران رژیم در این فاصله هیچگونه حرکتی نتوانستند انجام دهند. پیشمرگان فدائی از ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب مقر مزدوران رژیم را زیر محاصره شدید تاش سلاحهای خود گرفتند. ضربات نچنان سیرق آتا بود که این مزدوران تا ۱۰ دقیقه هیچگونه عکس العملی از خود بروز ندادند و پس که خود را نتوان در پاسخ دادن به پیشمرگان بافتند محلات شهر را زیر آتش گرفتند. طبق اخبار غیر موشق در این عملیات از مزدوران ۱ نفر کشته و چندین نفر زخمی شده اند. پیشمرگان قهرمان همگی با نظم انقلابی و سالم به پایگاه خود بازمگشتند.

- طی روزهای گذشته در کربلایه های شدیدی بین پیشمرگان حزب دمکرات و نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در جاده -

تکاب - شاهین دز جریان داشته که شا کتون یک قیفه کالسیر ۵۰ - یک قیفه ۳۰ - یک دستگاہ بیسیم - دو صندوق گلوله کالسیر ۵۰ - صندوق گلوله ۳ - دو - صندوق نارنجک سرز ۳ و دو صندوق نارنجک. دستی از دشمن صادر کرده اند. - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (گولمه) در آراء اعدام چند نفر از وابستگان به این سازمان ۳ نفر از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را اعدام متقابل نموده است. ۱- این سه نفر عبارتند از: - ازدر - زارعی (پاسدار) - مهدی دقغان (پاسدار) - سالار هدایتی (مزدور رژیم) گولمه طی اطلاعیه ای در تاریخ ۶۰/۴/۱۲ این خبر را پشش نمود.

- در منطقه برکورو و مرگور طی یک درگیری بین پیشمرگان حزب دمکرات و مزدوران رژیم عده زیادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند. همچنین در این درگیریها ۴ نفر از پیشمرگان حزب دستگیر میشوند که بلافاصله اعدام میشوند (با داین شهدا گرمای باد).

- حزب دمکرات کردستان ایران در - مقابل اعدام اسیران جنگی، با اعدامهای سراسرا بران به حکم دادگاه انقلاب خلسه کرده نفر از مزدوران رژیم را اعدام نموده است. از قسمتی از اعلامیه مربوط به این دادگاه آمده است:

دادگاه انقلابی خلق کرد در کربلایه ها اعلام نموده است که مخالف شدید و اصولی مرجع آدمکشی است ولی همچنان تکسبه قبلا تیریه آگاهی عموم رسانده است. در مقابل اعدامهای اسیران جنگی و کشتار مردم بی دفاع شهر و روستاهای کردستان نمی توانیدی تفاوت بماند. از این جهت تا جا راست برخلاف میل خویش و تنها به منظور طو کگیری از دامنه پیدا کردن این اعمال بیشتر ما نه و غیر انسانی دستور اجرای حکم در مورد گروهی از جنایتکاران محکوم به اعدام را که همگی در جنب جنایت دستگیر شده اند ما دیماید. کما اینک سه دیروز هشتم تیرماه به اجرای این عمل

در مرده نفر از محکومین پرداخته و جسدهای ایدامندگان را تحویل پادگان مها با ده اده است. این ۵ نفر عبارتند از: ۱- رفیق عبداللہی اهل سراب ۲- رفیق عباسادی اهل رابعین ۳- رفیق زینت اهل اصفهان ۴- رفیق زینت اهل ارومیه ۵- رفیق زینت اهل اهواز

در ضمن دیگر از اعلامیه مربوط به این اعدام انقلابی آمده است که: اکنون دیگر حکومت ارتجاع از اعدام انقلابیون چون "سعید سلطانپور" - مبارزی که حتی حکومت شاه هم جرات قتل وی را نداشت و ا همه بتدارد، اکنون دیگر به جوجه ادا میسریدن اسرا که نه در اسلام بلکه در هر قانون انسانی دیگری از ردیلاته ترین اعمال ضد بشری بشمار - میروید بطور بی سابقه ای در سایه عدل اسلام..... ویژه جماعت بدستان گسترش یافته است. اینست پاسخ خلقی که مصلحانه از حقوق خود دفاع میکند.

# ۷ شهید از یک خانواده در رژیم جمهوری اسلامی

بی دادگاہهای رژیم جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۰ نفر را اعدام کردند در بین اعدا متدگان شهدا ما جدا جدا مصطفی سلطانی از برادران شهید کا کا فواد وحید دارند. خانواده مصطفی سلطانی تاکنون ۷ شهید در راه آزادی خلق کردستان را بین خلق رزمنده نموده است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شهادت این رزمندگان دلبر را به خانواده قهرمان این شهید تسلیم میگوید، و ایمان داریم که خلق قهرمان ایران هیچگاه این جنایات را بی جواب نخواهد گذاشت.

# جنایت پاسداران سرمايه در مشهد

پنجشنبه ۱۱ تیر پاسداران به خانه ای شبانه یورش می برند و یکی از اعضای خانواده را که محمل وهو ادا رحماندین بوده است دستگیر می کنند. که فرد مذکور از دست پاسداران در جنب دستگیری قرار میکند. پاسداران او را به گلوله می بندند و سه گلوله به کتف او تلیک می کنند پس او را به بیمارستان می برند، به محض این که مجروح زحالت بیوشی در میان بند پاسداران او را - علیرغم مخالفت پزشکان - منبری بر بستری شدن مجروح - به زور می برند و شبانه اعدام میکنند. خبر این اعدام را حتی رادیو روزنامه های حکومتی نیز درج نکردند.

# خبرهای کوتاه از شهرستانها

آمل

شهید غلامعلی جعفری از مبارزین بود که در کشتارهای وحشیانه سی و یکم خرداد در مقابل جوجه اعدام قرار گرفت او کسه هو ادا رما زمانجا هدین خلق بود روز شنبه در جریان تظاهرات سی خرداد آمل دستگیر و بلافاصله اعدام می شود. در مراسم شب هفت این شهید هنگامی که جمعیت انوشی جمع شده و خواهر شهید در باره خصوصیات او و نحوه وحشیانه اعدامش در باره آتش رنگ کجبه روی بدنش سخن می گفت پاسداران به مراسم حمله کرده و مردم را متفرق کردی یکی از نزدیکان این مجاهد شهید می گفت روز سوم حزب اللہی ها کسه همیشه در صدد آزار و ذیت خانواده های شهدا هستند خانه این مجاهد را سنگ باران کرده اند، افراد خانواده نیز به سنگباران آنها پاسخ داده اند، بعد از دستی حزب اللہی ها به خانه نزدیک میشوند که به افراد آن حمله کنند که زن را و بچه ها با قریب دهای خود همسایگان را به کمک می طلسم و آنها می گزینند.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر